

در جای خودش صحیح .
ولیکن در اینجا يك چیزی است بطور کلی و آن اینست که در قسمتهای مختلفه این رفته آنچه را که سؤالاتش و اطلاعاتش را برای اساس ممیزی لازم دانسته اند نوشته اند و باید سؤالاتی بکنند و جواب هایش را هم بدهند .
اینهم خیلی واضح است سؤال را از يك آدم متدین صحیح العملی که بگردند باید جواب صحیح بدهد اگر جواب صحیح ندارد البته باید جرم بدهد .
رئیس (خطاب با آقا میرزا محمد خان وکیل) در پیشنهاد خودتان باقی هستید یا رأی بگیرییم .
میرزا محمد خان وکیل - آن پیشنهاد را پس میگیریم و پیشنهاد دیگری کرده ام که يك کلمه اضافه شود .
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا عبداللہ خان معتمد قرائت میشود (بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم که در ماده ۱۳ اضافه شود هر اختلافی نسبت به ایادات ملک حاصل شود الی آخر
رئیس - آقای معتمد (اجازه)
میرزا عبداللہ خان معتمد بنده باینکه تصور میکنم ماده ۱۳ طوری تنظیم شده است که نگرانی آقای وکیل ملک را رفع نمی کند و البته مساحت و سایر ترتیباتی را که در وقت اظهار نامه خواسته اند شامل نمی شود معذرا برای رفع نگرانی ضرر ندارد که اضافه شود نسبت به ایادات ملک مخیر - این ماده کلاً تأمین میکنند این نظریه را و هیچ لازم نیست که بواسطه این اضافات يك بیج و تابی در ماده بیجا شود زیرا در ماده نوشته شده است اشخاصیکه اظهارنامه برخلاف حقیقت داده اند پس از بیوت در سال اول مالیات مابا اختلاف را بخواهند پرداخت
یعنی جواب آنها اگر اختلافی در تأمین مالیات ایجاد میکند مالیات مابا اختلاف را میدهند و اگر ایجاد اختلافی در تأمین مالیات نمیکند که ملازم نیستند
رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد .
عمل - استدعا میکنم پیشنهاد بنده هم قرائت شود و يك مرتبه رأی گرفته شود
رئیس - پیشنهاد آقای عدل بایشهاد آقای معتمد قدری اختلاف دارد قرائت می شود
(پیشنهاد آقای معتمد مجدداً بشرح سابق و پیشنهاد آقای عدل بشرح ذیل قرائت شد)
پیشنهاد میکنم ماده ۱۳ ببطور اصلاح شود ؛
اشخاصیکه در اظهارنامه نسبت به ایادات ملک خود اطلاع مخالف حقیقت

داده باشند پس از بیوت در سال اول مالیات مابا اختلاف را بالمصاعف خواهند پرداخت
رئیس - آقای معتمد هم با این پیشنهاد موافقت میکنند
میرزا عبداللہ خان معتمد - بلی موافقت میکنم
مخیر - بنده هم قبول میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای دست غیب هم گمان میکنم تأمین شده است
دست غیب - بلی
رئیس - آقای میرزا محمد خان وکیل (اجازه)
آقا میرزا محمد خان وکیل - بنده هم پیشنهاد آقای عدل را قبول میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای مدرس
مدرس - آنهم قریب بهمین است قبول میکنم و در کمیسیون اصلاح میشود
رئیس - آقای مخیر قبول کرده اند ارجاع بکمیسیون میشود
مدرس - قبول کردم چون این پیشنهاد يك کلمه ریاضی داشت
رئیس - آنهم مسترد کردند
نظر آقای طهرانی هم گمان می کنم تأمین شود
طهرانی - مسترد میکنم
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب هم راجع به اضافه يك تبصره است قرائت میشود
(بشرح ذیل قرائت شد)
بنده تبصره ذیل را پیشنهاد می کنم :
تبصره - اظهار نامه باید بتصویب کمیسیون قوانین مالیه برسد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - این مسئله مستلست آقای فرزند هم اینقدر متغیر نشوند اصل قوانین خیلی خوب نوشته میشود ولی در موقع اجرا آنطوریکه باید خوب نیست تمام صدمه و زحماتی که ما متضرر میشویم و شما متحمل میشوید بواسطه اجرای این قوانین است
اگر درست اجرا شود ما بشما حمله نمی کنیم
بیاناتی که آقای وکیل فرمودند خیلی صحیح بود زیرا اظهارنامه ای را که بنویسند موقع عمل و اجرا در نظر نمیگیرند که چه میشود
اینست که بنده پیشنهاد کردم اظهارنامه بتصویب کمیسیون قوانین مالیه برسد زیرا نماینده دولت در آنجا هست و نمایندگان مجلس هم هستند و اظهارنامه را طوری تدوین می کنند که هر اجرایی باشد و اسباب زحمت مردم نباشد
معاون وزارت مالیه اساساً اینکهر چه

تنظیم و تدوین میشود باید بر طبق قانون باشد و متن آنچه را که برای اجرا قانون بنویسند باید در حدود آنچه بیکه در مجلس تصویب شده است خارج نباشد يك چیز است مسلم بنده هم کلاً متعرضم و تصدیق میکنم ولیکن يك مقدار کارهایی است اداری و اصلاً بنده کار باین مورد بخصوص ندارم البته ممکنست گفته شود که این مسئله بالاستثناء باید در تصویب کمیسیون قوانین مالیه بگذرد ولی بنده اصلاً عرض میکنم يك مقدار از کارهایی است اداری ترتیبها را اتخاذ میکند منتشر میکند و این اظهارنامه را که آقا میفرمایند در کمیسیون قوانین مالیه تصویب شود البته خیلی خوب است و ما هم استفاده میکنیم
ولی ممکنست بعد از شما يك مبلغاتی پیدا کند یعنی لازم شود يك چیزی را اضافه کنند و يك چیزی را حذف کنند و بالاخر در ضمن عمل خیلی تاجر بهاء دست می آید که ممکنست در آن موقع مشغول انتخابات جدیدی باشد یا مجلس داخل در مذاکره يك مسائل مهمه باشد و بتوانیم آن موضوع را از تصویب مجلس بگذرانیم آنوقت باید دست روی يك کارهاییست اداری و بایستی در حدود قانون عمل بیاید
مخیر - گمان میکنم این پیشنهاد را نماینده محترم استدعا فرمایند بهتر است برای اینکه از وقت مجلس چیزی باقی نمانده است و در کمیسیون قوانین مالیه هم لوایح زیادی است که فرصت رسیدگی باین نظامنامه را ندارد و اگر باین قانون ملق شود که نظامنامه اش از تصویب کمیسیون قوانین مالیه بگذرد من میترسم که در این دوره موفق نشویم و این قانون باز اجرا نمائیم از نماینده محترم استدعا میکنم استدعا فرمایند
رئیس - رأی میگیریم
آقا سید یعقوب - کله اوراق را اضافه فرمایند .
رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب با اضافه کلمه اوراق اظهار نامه آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند .
(عده قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد تبصره دیگری است .
آقای نظامی پیشنهاد کرده اند (بشرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده ۱۳ تبصره ذیل علاوه شود
تبصره - هر گاه مأمورین دولت برخلاف صحت و حقانیت مفتش یا ممیزی نموده باشند پس از بیوت مابا اختلاف و خسارت مالک را بالمصاعف بپردازند و

مادام که این قانون در مملکت مجری است از دریافت حقوق و از خدمت دولت مستعفی خواهند بود .
رئیس - آقای نظامی (اجازه)
نظامی - در این ماده از برای مالک وزاری که اظهارنامه برخلاف حقیقت می دهند جریمه قائل شده اند و از برای مأمورین دولت جریمه قائل نشده اند البته برای مأمورین دولت هم مفتش و ممیز هستند از برای اینکه همه روزه اسباب زحمت مردم را فراهم نکنند لازم است جریمه معین شود .
این بود که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم .
معاون وزارت مالیه - بنده ناچارم که این قسمت اداری مطلب را برض برسانم در صورتی که انصاف میدهم که نظر آقایان نمایندگان محترم اینست که هر چیزی را که در راهم فرض ممکن است که از تعدی مأمورین جلوگیری کند آنرا عمل نظر قرار میدهند
لیکن بطور کلی بنده همچو خیال میکنم توجه بیک قانون اداری که بتواند نه تنها در این مورد بلکه در کلیه موارد مفتش باشد و ناظر و سبب باشد که عیایات مأمورین را مورد توجه قرار بدهد که همیشه عمل خوب بکنند و رقابت بد نکنند بسیار خوبست و تأمین خاطر می شود .
ولی این مسئله که مأمورین مالیه باید تمتی نکنند و دروغ نگویند يك چیزی است که مواردش بسیار است اینک در اینجا راجع بژوئی می گوید اگر مؤدی خواست بگوید که در این دوره موفق نشویم و این قانون بگذرد فلان جریمه را بدهد يك مؤدی است بخصوص ولی اینک مأمور مالیه تعدی نکند مواردش بسیار است و این مورد بخصوص نیست
فرضا در این مورد ترتیبی معین کردید اگر مأمور متقلب و متعدی باشد در هزار مورد دیگر ممکن است تقلب بنده مریض بودم و کتباً هم اجازه خواسته بودم .
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای دکتر آقايان (اجازه)
دکتر آقايان - قبل از دستور .
رئیس - آقای کاشانی (اجازه)
مصطفی کاشانی - قبل از دستور
رئیس - آقای مدرس

فرمایند .
رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقت قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه شد پیشنهاد آقای طهرانی مورد ندارد . اگر آقایان موافق باشند جلسه را ختم میکنم . این ماده با پیشنهاداتی که قابل توجه شد ارجاع میشود بکمیسیون
(جلسه آتی روز سه شنبه ۲ ساعت و نیم قبل از ظهر ۲۲ - تورم لایحه ممیزی (مجلس نینساعت بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین
مشی ع شهاب
مشی ع عطیعی
جلسه ۲۲۶
صورت مشروح مجلس مورخه سه شنبه هفدهم آذر ماه ۱۳۰۴ مطابق بیست و یکم جمادی الاول ۱۳۴۴
مجلس دوساعت و يك ربع قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید
(صورت مجلس پنجشنبه دوازدهم آذر ماه را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند)
رئیس - آقای حاج حسن آقای ملک
حاج حسن آقای ملک - قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب رضوی - بنده اجازه که خواسته بودم برای قبل از دستور بود ولی اینجا در صورت مجلس بنده را غائب بی اجازه نوشته بودند در صورتی که بنده مریض بودم و کتباً هم اجازه خواسته بودم .
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - آقای دکتر آقايان (اجازه)
دکتر آقايان - قبل از دستور .
رئیس - آقای کاشانی (اجازه)
مصطفی کاشانی - قبل از دستور
رئیس - آقای مدرس

(اجازه)
مدرس - قبل از دستور
رئیس - آقای امامی .
(اجازه)
امامی - قبل از دستور عرض دارم
رئیس - آقای دست غیب (اجازه)
دست غیب - در خلاصه مذاکرات اینطور ثبت شده بود که بنده بالفطرحه می مخالف بودم در صورتیکه بنده بالفطرحه می مخالف نبودم با ترتیب اخذ مخالف بودم و این لایحه هم که داده شده است تقریباً همان طور اصلاح شده است بنده با لفظ جمعی مخالف نبودم با ترتیب اخذ مخالف بودم .
رئیس - اصلاح می شود . در صورت مجلس مخالفی نیست ؟
جمعی از نمایندگان - خیر
رئیس - صورت مجلس تصویب شد
آقای حاج حسن آقای ملک .
(اجازه)
حاج حسن آقای ملک - در چندین جلسه قبل آقای شیروانی نماینده محترم راجع بکمیسیون عرایض و تظلماتی که بکمیسیون رسیده است سؤالاتی کردند و اتفاقاً بنده در آن جلسه حضور نداشتم اکثر آقایان مخیر کمیسیون يك توضیحاتی داده بودند گویا مقنع نبوده است .
در جلسه بعد هم آقای شیروانی سؤال کردند و مخصوصاً راجع بقضیه ارباب بهمن تذکره دادند . یکی دو مرتبه بنده عرض کنم و حالاً که موفق شدم می خواهم خاطر محترم آقایان تذکره بدهم باینکه کمیسیون عرایض بطوریکه سابقاً هم عرض کردم اعضایش يك زحمت فوق العاده را متحمل هستند و برای متظلمین نتیجه مطلوبی نداد مخصوصاً در قضیه ارباب بهمن شرح واقع این است که بطور اجمال عرض می کنم .
در درمهم میزان ۳۰۰ وزارت فوائد عامه یا ارباب بهمن اتفاقاً کثرتی کرده است برای راه طهران و انزلی و قزوین و همدان و فرقه نوزادت پست و تکران بهماز چندی متعرض بوده است باینکه من از این کثرتات مسبوق نبوده ام و بایستی این کثرتات لغو شود باینکه چند مرتبه در روزنامه ما اعلان کرده شده بوده است و نمیشود گفت يك وزارتخانه از همچو قضیه مهمی مسبوق نبوده است بالاخره کثرتات را لغو می کنند ارباب بهمن مدعی خسارت می شود و اسباب زحمت اولیای امور را فراهم می کنند .
بالاخره دولت برای اینکه تا يك اندازه از ارباب بهمن استتال کرده باشد و خساراتش را هم بیک ترتیبی جبران کند که

تقدیم چیزی نبردازمی آید يك کثرتات ثانوی با ارباب منتهی بکنند راجع براه طهران در شش و همدان و فرقه تورماستنی میکنند و قراردادی شده امی چهار هزار تومان با ارباب بهمن بدهند يك سال هم این کثرتات باین کیفیت ادامه داشته است
بعد بدون موجب این کثرتات را نسخ میکنند و در واقع ارباب را از هستی سانسط می نماید و ارباب بمقامات مربوطه متظلم می شود .
بوزارت خانه شکایت میکنند نتیجه نمی بخشند بالاخره مراجعه بمجلس و کمیسیون عرایض در این موضوع دقت هائی میکنند و بالاخره حکماتی با وزارت پست و تلگراف می نمایند .
اولا جوابی نمی که از وزارت پست و تلگراف رسید هیچ مربوط بقضیه نبوده است بالاخره وقتی که زیاد فشار می آوریم که باید يك جواب اقتضای کفایت بمتظلم داد بر میدارند مینویسند که شما جواب منفی بدهید اولاً وزارت پست و تلگراف حق ندارد از برای يك کمیسیون یا مجلس شورای ملی تعیین تکلیف بکند (جمعی از نمایندگان - صحیح است)
بعلاوه بطور میشود بیک متظلمی که با يك اسناد و مدارک متقنه آمده و به مجلس شورای ملی که ناظر اجرای قوانین است مراجعه کرده است جواب منفی داد .
این بود که کمیسیون برای اینکه حقیقت را کلاً خاطر نشان بکنند از وزارت پست و تلگراف یک نامه ای خواسته و نماینده وزارت پست و تلگراف وقتی آمد آنجا سؤالاتی از او شد اظهار کرد که حقیقت نسبت بارباب نظام شده ولی میزان خساراتش نه آن اندازه است که خود او متظلم شده و من هم نمی توانم این حرف را رسماً بگویم و شما من غیرمزم این حرف را میزان در این صورت کمیسیون چه میتوان بکنند ؟
جز اینکه اصل قضیه را به عرض آقایان برساند
بنده میتوانم عرض کنم که اطلاعاتم بواسطه بودن در کمیسیون عرایض از اغلب آقایان زیادتر است آقایان وزراء از باب تشبه بکامل میخوانند خودشان را نزدیک بکنند و بالاخره تعقیبه شان اینست که همان اندازه که به آن شخص والا حضرت علاقه داریم بآنها هم علاقه داریم .
ولی این اشتباه کاملی است که کرده اند بآن شخص والا حضرت علاقه داریم از نقطه نظر خدمتانی که کرده اند بنده در چند جلسه قبل که راجع به کمیسیون عرایض توضیحاتی میدادم عرض کردم که دوسیه هائی که از طرف وزارت جنگ بکمیسیون عرایض میرسد (این را حمل به تمام نکنند)

تمام جواب هائی که از آنجا رسیده است اقتضای کفایت بوده است دوسیه ها شاهد قضیه است به عکس سایر وزارتخانه ها که تمام را بطرفه و تعلل و ماسامه بر گذار کرده اند .
بطوری که حضرت ریاست پناهی در جلسه گذشته فرمودند که آقایان و کلاهیك جواب حاضر نمی شوند بنده علش را میدادم جوابی ندارند بیایند در این جا بدهند .
فقط چیزی که بنده را امیدوار کرده است همان اراده فویه والا حضرت است در اصلاح وزارتخانه ها و امیدوارم بعد از این يك وجهی نسبت باین موضوع داشته باشند که در آتی به بنییم يك نفر از پست زمین نباید در يك وزارت خانه و بدون استحقاق يك کارهائی بکنند که برخلاف رویه باشد .
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - بنده می خواهم از مقام محترم ریاست تقاضا کنم که این قانون ممیزی که مطرح است چون در ماده اولش دارد (املاک اربابی غیر از خانه انتقالی) لایحه خالصه انتقالی را بمجلس بیاورند بجهت اینکه يك کتاب بزرگی گذاشته اند و از روی آن تمام املاک را احس را گذاشته اند خالصه انتقالی .
خوبست این مسئله در مجلس مطرح شود و معلوم شود خالصه انتقالی کدام است مال چند سال قبل است . میزان مالیات آن از چه قرار است تا ممیزی عملی شود .
والا باینکه بنده این قانون عملی نخواهد شد امروز بنده عرض میکنم و چهار روز دیگر معلوم خواهد شد عرض بنده صحیح بوده است یا نه
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
شیروانی - بنده باینکه در این ایام آخری مجلس خیلی سعی میکنم که اوقات قبل از دستور را اشغال کنم که باینکه چند تا از قوانین مهمه از مجلس بگذرد .
لکن بنده همیشه در يك مسائلی که با اصول برمیخورد به عقیده خودم علاقه مند هستم که تعقیب کنم و تصور میکنم اکثر آقایان دیگر هم ذهنشان متوجه شود علاقه مند شوند بنده همیشه منتقم که قوای مملکت دخالت در کارهای مردمیگر نکند .
هبا نظری که معتقد هستم که مقتضی نیست مجلس دخالت در امور اجرایی بکند معتقد هستم که قوای مجریه هم حق دخالت در امور تقنینیه نخواهد داشت .
یکی از قوای سه گانه مملکت هم البته آقایان تصدیق می فرمایند قوه قضائیه است که از قوای مهمه است قوانینی که مربوطه

اجرای این قوه است فوق العاده باید طرف دولت واهیت واقع شود و برای اجرای امور این قوه بنده هیچ مقامی را غیر از مجلس شورای ملی صالح برای وضع قوانین نمی دانم قانون گذاری اصولاً منحصر است به مجلس شورای ملی و هیچ مقامی را نباید اجازه داد که وضع قانون کند.

بنده مخصوصاً این چند روزی که میخواستیم این عرض را در مجلس گذاریم جرات گذشته و تصویب نامها مراجه کردم بکس طر قانون بمضاه پهلوی در موقع ریاست وزارت ایشان بنده شخصاً ندیدم در صورتی که ایشان یک نفر نظامی هستند شاید از این طور مسائل که ما معتقد هستیم بیاید از هم تفکیک شود اطلاعات کاملی نداشته باشند.

لکن یک اشخاصی در این مملکت هستند که از قدم ما آنها را مجسمه قانون و خودشان را قانون شناخته ایم یعنی خودشان خودشان را قانون معرفی کرده اند و یک کارهایی از آنها ناشی میشود که حقیقه خیلی جای تأسف است

اخیراً در یکی دوروزنامه یک موادی را دیدم که بنده این مواد را قانون میدانم و محتاباً آن مواد بمضای مجلس شورای ملی منتشر شود بنده دیدم این مواد بمضای یک کسی منتشر شده که صلاحیت نداشته است مسئله محاسن که بین ضمیمه و قوی است که موضوع خیلی مهمی است

معا که بین اشخاص متساوی القوه ممکن است گاهی دسترس باشد و ما هم بهانه هائی داشته باشیم و بگوئیم مجلس شورای ملی فرصت نمیکند قوانین هم زیاد است و یک زمانی بدهیم که یک کمیونی که طرف اعتماد مجلس شورای ملی است برای قوانین هادی عدلیه آن کمیون نامدنی موقتاً رأی مشورت باشد این در موقعی است که قانون هادی بین اشخاص عادی و متساوی القوه بخواهیم وضع کنیم

اما بنده منظر هست که قانون معاکه وزراء را وقتی مجلس آوردند مخصوصاً یک چند نفری گفتند که این قانون برود بکمیون عدلیه ولی یک حرارت فوق العاده در مجلس ایجاد شد که خیر این قانون قانون مهمی است و باید یک کمیون خاصی برایش تشکیل شود و همه هم تصدیق کردند.

با این حال بنده یک قانونی را که معاکه بین ضمیمه و قوی است یعنی بین عضو ادار و وزیر می بینم بطور تصویب نامه در روزنامه منتشر کرده اند

البته همان طور که مقام ریاست اظهار کردند از بس سئوال کرده ایم و بلا جواب مانده است بنده چاره نمی بینم غیر از اینکه عرض کنم این موضوع را امروز شروع میکنم اظهار میکنم سؤال هم میکنم و چون عرض کردم پای بنده اصول هستم

استیضاح هم میکنم و تا قوه دارم نمیکند این حق از قوه شوری سلب شود قانونگذاری منحصر حق مجلس شورای ملی است و هیچ مقامی حق ندارد قانون وضع کند و آن چیزی را که قانون بعنوان قانون مردم تلقی میکنند چنانچه بمضای دیگران غیر از مجلس شورای ملی باشد بنده آن را در حکم کافه پاره تلقی میکنم

رئیس - آقای دکتر آقایان (اجازه)

دکتر آقایان - از توجه مخصوصی که آقایان نمایندگان محترم همیشه نسبت به مسئله حفظ اصله داشته اند بنده کاملاً مسرورم و از آنجائی که در هیچ اجتماعی و هیچ ملتی کذب کارها را نمی شود بدوات محول کرد مخصوصاً در یک مملکتی مثل مملکت ما که دولت حقیقه از نقطه نظر مالی عجلانه قادر باذاره کردن حفظ اصله عدلی نیست

بنابراین بنده از نظر اینکه در حفظ اصله مملکت که یک قسمت عمده اش حفظ اصله اطراف است خصوصاً اطرفی که در مدارس تحصیل میکنند طرح قانونی تقدیم میکنم که تقریباً سی نفر از آقایان هم امضاء فرموده اند و استدعای جلب توجه آقایان را دارم

رئیس - ارجاع می شود بکمیون آقای کاغانی (اجازه)

مصطفی کاغانی - اگر چه آقایان وزراء اینجا تشریف ندارند که مطلبی که عرض میشود جواب بدهند

لکن بنده مجبورم مطالبی که راجع بارضاح کاغان است بیک نفره اش راجع آقایان برسانم از روزی که اداره است خانه در ایران دایر شده است همه جا پیشتر مرتب و منظم میرفته است و می آمده است پس از پنجاه سال تازه بست کاغان را با الاغهای مردنی زخمی متفق حمل میکنند

تصور بفرمائید یک شهر صنعتی و تجارتهای که با اغلب بلاد ایران دادوستد دارد وقتی جنشان میرسد منتظر این می شوند که صورت جنشان هم برسد که تفصیل جنس را به بینند و برایش راهم بدانند چه وقت باید بدهند و چقدر کرایه جنس را بدهند بعد از بیست روز بیست و پنج روز الاغهای مردنی وارد می شوند وقتی که می رسد جنس ضایع شده و تقریباً شده و تجار همین طور معطل و سرگران مانده اند حالا راهش خراب است و هیچ اندامی نمی کند که بسازند سر جای خود

وزارت پست و تلگراف هم ترتیبش این است که بهیچ وجه من الوجوه ملاحظه بدارد بدارد کردن پست خانه که در تحت نظر او است نیست در این دوره بناشود پست با الاغ حمل شود که پررور هم آقای میرزا

شهاب نماینده محترم کرمان فرمودند بیست و یک نفر از شکر و شکر حمل میشود اما این نکته را فراموش نکنند که راه بزرگ بکرمان را تغییر ندادند ولی راه کاغان را بزرگ کردند اما از راه می روند و باقی هم دورتر شده و روابط بین بلاد بکلی قطع شده است

لهذا از مقام ریاست تمنا میکنم وزیر پست و تلگراف را بخواهند بیاورند این جا جواب بدهند اگر اعتبار ندارد از مایه بخواهند و اگر یک اتومبیل برای این راه کثرت است کند که از کم بکاشان برود کفایت میکند

این جا جانی نیست که چندین اتومبیل بخواهد یک اتومبیل کافی است و بقدری که باین چهار پنج الاغ بدهند خرج یک اتومبیل زیادت نخواهد شد

استدعا میکنم آقای رئیس وزیر پست و تلگراف را بخواهند بیاورند این جا جواب بدهند

رئیس - آقای مدرس (اجازه)

مدرس - در جلسه سابق بنده اجازه خواسته بودم هم تویت نشود هم قسانون میزبانی البته قانونی است که خیلی اهمیت دارد و مهمانگن هر چه زود تر بیاورند بگذرد

لکن مطلبی هم که در نظر داشته عرض کنم تقریباً در مرحله خودش بقیه من اهمیت دارد و البته اگر جلسه سابق عرض میکردم شاید انطباق بود تا این جلسه

در این دو هفته اخیر البته روزنامهجات را خواندم باید طریق اطلاع ما بوقایع و حوادث فوق العاده خارج از ایران طریق حسن بااطمینانی ما همان روزنامهجات است والا راه دیگری برای کشف حقایق و حوادث دنیا نداریم

مثلاً اینکه طریق دیگران از برای کشف حقایق مملکت ما شود است باید بیایند این جا بنشینند و مطالب را که من میگویم بشنوند که حقیقت بدستشان بیاید

در این دو هفته اخیر روزنامهجات در قمره مطلب داشت که شنیدم دیدم که نقل میکردند یکی اینکه وهابیه مدینه را اشغال کرده اند یکی هم راجع به تعیین رئیس وهابیه و قرارداد و مرادها و امثال آن بود و البته واقعه سه ماه قبل از این را هم آقایان خاطرشان فرشته است که یک روزی در روزنامهجات یک چیزی همین طور نوشته بود

بطوری که هارت ما ایرانها است که یک چیزی که می شنویم زود بچوش می آیم بچردی که خبر رسید آنها هم بوسیله روزنامهجات که طایفه وهابیه مدینه را محاصره کرده اند و نسبت بعضی مقامات هم بعضی تحریکات راه نزدیک تر باشد از حضرموت و برون کرداند

البته وظیفه سیاسی اروپاییه دیناوت و وظیفه همدردی ما این بود که کردیم اظهار آن احساسات که از همه بلاد حتی قراه از یک کسی شنیدم که میگفت شاید قریب بیست هزار تومان از اطراف تلگراف شده

یک نفر از نمایندگان - بیشتر مدرس عرض کردم شنیدم یک کسی اینطور گفت حقیقتاً آنچه مناسب بود از جهت دیانت و همدردی بهر عنوانی از طرفین فرو گذار نکردند تمام مملکت تعطیل کردند چون بنده همیشه منکر تعطیل هستم چه اجباری وجه ارشادی

یک وقت در اصفهان حساب کردیم دیدیم در یک روز تعطیل هشت هزار تومان مزد شاگرد ازین برود چون من همیشه مخالف تعطیل بوده ام که گفته شود مردم دکان و بازارها را ببندند به این جهت حساب کردیم دیدیم یک روز تعطیل در اصفهان هشت هزار تومان مزد شاگردا که یک نفران و دو نفران و سه نفران و چهار نفران میگیرند ازین برود

در صورتیکه اصفهان نسبت به طهران در حکم یک ده است ولی در آن موقع تمام مملکت با اختیار خودشان تعطیل کردند و نظیرش هم کم اتفاق افتاده بود که این قسم اظهار احساسات بشود

البته الناس علی دین ملوکهم - پیشوایان این اظهار احساسات - هم ما ما بودیم - مجلس بود - اول مجلس شروع کرد - تلگرافات متعادلان به تمام مملکت واقوا مسلمین شده هم زدی کردیم اظهار احساسات کردیم - کمیون ها تشکیل کردیم جلسات ترتیب دادیم - با اصلاح شما گفتار من دادیم - بیرون دروازه - توی دروازه - حماسه ها خواندیم

ولی مع التأسف در این دو هفته آنچه در روزنامهجات دیدیم و شنیدیم یک حالت خودی که احساس کان لم یکن شیطانه کوراً بود - بخود گرفتیم آن وقت در روزنامهجات نوشته شده بود که مدینه محاصره شده اظهار تأسف کردیم بدهم بطور غیر مستقیم گفتند تکذیب شد - منتظر ما مودین خودمان بودیم

البته خاطر نشان هست برای کشف مطلب گفته شد یک مأمورینی از شام - از مصر - بروند حقیقت مطلب را بدست بیاورند

لابد اعضاء کمیسیون بودجه در کمیون بودجه مخارج فوق العاده اش را هم خواهند دید که گفتند چندین هزار تومان برای مخارج فوق العاده آنها مرتب شده که بروند و حقیقت را کشف بکنند و به ما خبر بدهند مدت یک ماه چهل روز گذشت

نمیدانم به عرض اینکه از راه بولاق به این نوع یا با راه آهن شام بروند که راه نزدیک تر باشد از حضرموت و برون کرداند

رفته اند؟ هیچ خبری ما نرسید - تا نازده در دو هفته قبل دیدیم در روزنامهجات (خیلی معذرت می خواهم از آقایان بواسطه قانون میزبانی که من هم چون خیلی طالب گذشتن آن هستم ولی زود خاتمه بدهم که ضرر به قانون میزبانی نخورد دو هفته قبل دیدیم در روزنامه نوشته است که طایفه و هابیه مدینه را اشغال کرده اند - ما هم بخودی گذرانیم بهتر از همه یک فرقه که مطرود تمام فرق مسلمین و دشمن تمام مسلمین هستند در روزنامه نوشته بود یک دولت بزرگی با اینها قرارداد بسته است

این عجیب است! لیکن این سخن بگذار تا وقت دیگر

یک فرقه که مطرود تمام فرق مسلمین از آنها شاک می کنند یک دولت بزرگی با آن ها قرارداد بسته - ولی این ها را دیدید و خواندید و بخودی گذرانید! در سه ماه قبل با آن احساسات و آن حماسه ها که خواندیم در این دو هفته باین خودگی و خواوشی گذرانید!

آیا حق اول بود یا دوم و در این امر در خارج از موضوع بود؟

نجد را بگذارند بر حال سیاست گریه کن چون عمر مجلس به آخر رسیده است انشاء الله الرحمن یک روزی از آقایان واز مجلس و از ریاست مجلس تقاضا میکنم که شاید مجلس را مخدتر کنند و این سیاست را صحت کنند

لیکن عقیده من این است که آن رویه اول که سه ماه قبل از این گرفتیم آن رویه رویه مالست - هم منفعت سیاسی هم منفعت دینانی ما در آنست و هم زدی با سایر اقدام مسلمین هم برای دنیای ما ناقصت وهم برای دینانمان ناقصت از هر جهت باشد و این خودگی و سکوت که در این دو هفته اخیر اختیار کردیم مضر به تمام مراتب و شئون ما ایران است چرا تغییر به ایرانیان کردیم؟ حیث اسلامیت حیث دیانت است و بجای خودش محکم ولی چون ما ایرانها بخصوص در این مسئله وهابیه ها سابقه داریم (اجازه می خواهم از وهابیان قانون میزبانی که قریب بیست دقیقه اجازه فرمایند این عرض را بکنم)

مکرر در پشت این تریبون عرض کرده ام که من از هیچ چیزی سر رشته ندارم خصوصاً از تاریخ که خیلی نمیدانم هر سبیل اجمال عرض میکنم طلوع وهابی از ۱۱۷۰ بود که عبدالوهاب نامی اهل ربه که یکی از قضایای حجاز بود به اصفهان آمد و تصویباتی کرد و یک عقاید فاسده انتشار کرد که کلمات بزرگان دین را کنار گذارد و خودش قرآن را تفسیر کرد و تقلید این تبه را که در همه صدسال قبل

و کرد و آنوقت برگشت بدرعبه و بنا کرد بترویج کردن عقاید خودش (خواهش دارم حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا هم گوش بدهند زیرا جهت اشتراکی مان است و فایده اش از آن روزنامه که میخوانند زیادتر است)

این بدیهه است هر منبری که یک قدری گذشت جهت افراط و تفریط پیدا میکند و من این رویه را که وهابی ها پیدا کردند یک قدری زیر سر ایران خودمان می - دلم زیرا این ها آن طرف حدش را گرفتند

حالا کاری باین چیزها ندارم و نمی خواهم حرف هائی که جایش در مدرسه است در اینجا مذاکره شود

بهر حال کم کم بنا کرد عقاید خودش را ترویج کردن و مدت بیست سال بیست و پنج سال طول کشید تا کم کم بلاد حجاز و بعضی سواحل عمان و احساء و حضرموت و نجد و توابع این را با عقاید خودش همراه کرد از جمله شیخ محمد عبدالعزیز نام هم با او هم عقیده شد خود عبدالوهاب بعد از آنکه دید خیلی خاک دارد - بقتضای انسان لطفی آن راه استغنی کم کم از مسئله دیانتی به خیال سیاست و امور ملکی افتاد ولی عمر خودش وفا نکرد و مردم و عبدالعزیز که مریدش بود کم کم علم را بلند کرد درسته ۱۲۱۰ مسعود پسر عبدالعزیز با شون زیادی بسه عراق آمد و کربلا گرفت و چندین هزار نفر از مسلمین را قتل عام کرد و تمام اموال را بردند از جمله یک مسجدی از قبر حضرت ابی عبدالله حسین بردند که الان آن سنگ در یکی از موزه های اروپا ریاست و کیف کان این جهادت طغیان کردند و طغیان شان هم مدتی طول کشید و اطراف بحرین هم آمدند و کار طغیان شان بجائی رسید که بین خوانین لاریش را از خودمانم اختلاف شد (و کبلا را کشتند)

بعضی از آنها متوسل شدند به وهابیه و یک قسمت از آنها را به کمک خودشان دعوت کردند و در قله بستک از یک چهارم بگریه وهابیه آمدند و منزل کردند تا از مرکز حکم صادر شد فرمان فرمای فارس - حسین علی میرزای آن روز و میرزا حسین علی امروز (خنده نمایندگان)

او قشونی فرستاد و آنها را از اطراف عمان خارج کردند مقصود از این عرایض که عرض می کنم این است که ایران با این فرقه ضاله سابقه دارد و سه فرقا ایرانی ها عباس میرزای آن روز و حسین علی میرزای آن روز و سادق خان آن روز

این سه نفر اقداماتی کردند حتی در دهمه دوم فرمان فرمای فارس به آنرا آنکه امام مستظرف متوسل بدولت ایران شده و حاکم این متوسل به ایران شد حکم شاه ایران ولیعهد ایران عباس میرزا با قشون رفت وهابیه را از اطراف بحرین و مستحقا

خود تجدید و ترویج چهار هزار نفر از وهابی ها را قشون ایران کردند

فرض این است این کار سابقه دارد سه نفر دیگر هم در مصر سابقه دارند و آن سه نفر عبارت است از محمد علی پاشا موسس خانواده خودی قملی مصر - و توسن پاشا پسر محمد علی پاشای مصری و ابراهیم پاشا پسر دیگرش که یازده سال با فرقه وهابیه جنگ کردند و تریب هشت هزار نفر مصری در خاک وهابیه کشته شدند

سه نفر ایرانی سه نفر مصری در این قضیه دخالت و سابقه داشته اند و در رفع فرقه ضاله وهابیه اقدام کرده اند و تمام مسلمین ایران و دنیا از این فرقه بیزارند چنان اظهار احساسات کردید و در اطراف این امر مذاکرات کردیم و بوظیفه دیانتی و سیاسی خودمان رفتار کردیم ولی حالا که خاموش شده ایم اقوام دنیا و تمام بلاد و دعات ایران و مردم ایران بیش خودشان میگویند آنها که بصدد بیان سخن می گفتند آیا چه شنیدند! آیا چه دیدند! آیا چه گرفتند! که خاموش شدند

آنها باید بدانند که ما خاموش نشده ایم و لازم است که در این مجلس بنده از جانب خودم و از جانب تمام آقایان و ملت ایران از این بیش اظهارات نفر کنیم (نمایندگان - صحیح است)

و عرض میکنم که ما نباید در مقابل این وقایع و حوادث خاموش و خودم باشیم بلکه باید با اندازه استعداد قوه خودمان همیشه مراقب و مواظب باشیم

بس این خودت و سکوت تقصیر کیست؟ تقصیر من است؟ معتقد فتنه در این شهر زمن دانند من - لیک من این همه از چشم شما می بینم

رئیس - معاذ هتم رابرت کمیسیون قوانین مایه طبع و توزیع شده است جزو دستور امروز هم هست بمرض آقایان میرسد

بعضی از آنها متوسل شدند به وهابیه و یک قسمت از آنها را به کمک خودشان دعوت کردند و در قله بستک از یک چهارم بگریه وهابیه آمدند و منزل کردند تا از مرکز حکم صادر شد فرمان فرمای فارس - حسین علی میرزای آن روز و میرزا حسین علی امروز (خنده نمایندگان)

او قشونی فرستاد و آنها را از اطراف عمان خارج کردند مقصود از این عرایض که عرض می کنم این است که ایران با این فرقه ضاله سابقه دارد و سه فرقا ایرانی ها عباس میرزای آن روز و حسین علی میرزای آن روز و سادق خان آن روز

این سه نفر اقداماتی کردند حتی در دهمه دوم فرمان فرمای فارس به آنرا آنکه امام مستظرف متوسل بدولت ایران شده و حاکم این متوسل به ایران شد حکم شاه ایران ولیعهد ایران عباس میرزا با قشون رفت وهابیه را از اطراف بحرین و مستحقا

رامرتفع سازد از تأدیبه مالیات معاف است

تبصره ۳ - مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذبل معافند هر خانواده شتر - یک نفر - بز و میش - پنج رأس - مادبان و اسب و قاطر و الاغ - یک رأس - تبصره ۴ - میزبانی حیوانات نسبت بیک قریه و باقرا و یا بلوک و یا طایفه و عشیره پهلور جمعی است و سه ساله مالیات از دارندگان حیوانات بطریق فوق ماخوذ می شود

حایری زاده

رئیس - مذاکرات در ماده در جلسه گذشته خاتمه یافته بود

دست غیب - مقدمه خبر کمیسیون مطرح نیست؟ بنده مخالفم

رئیس - باچه مخالفید؟

دست غیب - با مقدمه خبر کمیسیون که راجع بماده پنجم است

رئیس - ماده پنجم تصویب شده است

دست غیب - ملاحظه بفرمائید؟ مقدمه خبر راجع بماده پنجم است مقدمه مطرح نیست؟

رئیس - خیر حاصل ماده هفت در جلسه گذشته مطرح بود مذاکرات کافی شد و شروع شد بقرائت بنده اذات شیروانی - بنده عرض نظامنامه دارم

رئیس - بفرمائید

شیروانی - تبصره چهارم که پررور مطرح بود تغییر کرده است این یک خبر جدیدی است

رئیس - این جا هم تبصره جدید را خواندند و بدون اینکه تبصره سابق را بخوانند تبصره لاحق را خوانند پیشهاد هائی که در جلسه گذشته شده بود تمام این جا هست و باید بمرض آقایان برسد و تکلیفش معین شود

پیشهادی از آقای آقا سید یعقوب راجع به تبصره سوم شده بود که در مجلس قابل توجه شده بود و کمیسیون آن را رد کرده مجدداً قرائت می شود که تکلیفش معین شود

(شرح ذیل خوانده شد)

شتر علاوه بر سه ساله ۱۰ قران

قاطر سه ساله ۶ قران

الاغ سه ساله ۱ قران

مادبان سه ساله ۸ قران

ماده گاوسه ساله ۵ قران

میش دوساله ۱ قران

اسب سه ساله ۶ قران

ماده گاومیش سه ساله ۵ قران

بز دوساله ۷۰

تبصره ۱ - مالیات فوق بچیزهایی تعلق خواهد گرفت که نواقل ماهیانه نمیدهند

تبصره ۲ - عوامل زراعت از قبیل گاو کار و گاومیش بز و الاغ و اسب و قاطر که بخریش بسته شود و احتیاجات زراعتی

در این حال بنده یک قانونی را که معاکه بین ضمیمه و قوی است یعنی بین عضو ادار و وزیر می بینم بطور تصویب نامه در روزنامه منتشر کرده اند

البته همان طور که مقام ریاست اظهار کردند از بس سئوال کرده ایم و بلا جواب مانده است بنده چاره نمی بینم غیر از اینکه عرض کنم این موضوع را امروز شروع میکنم اظهار میکنم سؤال هم میکنم و چون عرض کردم پای بنده اصول هستم

بهر صورت در این یکساعت که مقصود دولت و کمسیون این بوده است که با اصل مالیات دولت دست نخورده بماند مخالف.

اما در موضوع دیگر اینجا عقیده بنده این ماده کلاً کوسه ریش بودن است و این یک امر محالی است همانطوریکه آقای کازرونی آن روز توضیح دادند چون طریق حلی پیدا کرده اند اینطور نوشته اند در این جا مینویسد:

مالیات جمعی است یعنی از دهم قریه و قراء و طایفه و مشیره مالیات گرفته می شود اما از دارندگانش گرفته میشود.

بنده نفهمیدم اگر در یک قریه دوازده گوسفند داشته است و مالیاتش را هم می داند صاحب آن قریه بیاید و قریه را با حیوانات و سایر منابع آن قریه بکسی دیگر بفروشد و خودش برود یک مالیات دیگر.

آیا شما از این قریه بطور جمعی مالیات میخواهید در صورتیکه صاحب آن ملک کمتر از فروخته و مثلاً بشیر از رفته یکی دیگر این ملک را خریده بنده کتبی نام اینطور پرسید:

بنده متفکرم که این درست یک امر محالی است و کوسه ریش بودن است و اساساً این طریق که نوشته اند عملی نیست چون اینکه مینویسد بطریق جمعی است مقصود این است که اگر در این ده که با صد گوسفند دارد و متعلق به پنج شش نفر است در سال اول که میروند و میزی می کنند یک مالیاتی برای این ده مقرر می کنند.

مثلاً مینویسد برای حسن آباد مالیات مزارع و مواشی ۵۰ تومان و این مبلغ را از این ده میخواهند تا این که این گوسفند مال من باشد.

پس خوب است یک مالیات نقدی بر قراء و قصبات تعجب کنید دیگر چرا اسمش را مالیات مواشی می گذارید اسمش را بکنند مالیات نقدی یعنی همانطوری که مالیات نقدی از اراضی میگیرند فرض بفرمایید که مثلاً سه کروم مالیات مزارع و مواشی باید گرفته شود و آن را هم تقسیم کنید بین تمام قراء و قصبات و مالیات نقدی بگیرند.

دیگر اسمش را مالیات مواشی نگذارید چون ممکن است یک کسی با فلان طایفه بگیرد بیرون و مقداری گوسفند داشته باشد و بعد مجدداً برگردد و بیلاق در آمدن و رفتن آنها با این تبصره اگر تمام گوسفندهای آنجا هم مرده باشند باز مالیات از آنجا مطالبه خواهند نمود.

عقیده بنده تمام اینها دلیل این است که این تبصره بکلی بد نوشته شده است و بنظر بنده باید این طوری که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود که در سال اول میزی کنند و در آن گوسفند معین شود که میزی باشد یا نه. این وقت می خواهد کم شود می خواهد زیاد شود. عقیده بنده این است که آن دارنده تا وقتی که اظهارنامه نداده است که عده گوسفند من کم شده باشد آن مالیات را باید بدهد اما وقتی که اظهارنامه داد زیاد هم شد مالیات را بدهد.

حسن آباد بدهند هر که اینجا که حیوانات بنظر بنده باید این طوری که بنده پیشنهاد کرده ام نوشته شود که در سال اول میزی کنند و در آن گوسفند معین شود که میزی باشد یا نه. این وقت می خواهد کم شود می خواهد زیاد شود.

عقیده بنده این است که آن دارنده تا وقتی که اظهارنامه نداده است که عده گوسفند من کم شده باشد آن مالیات را باید بدهد اما وقتی که اظهارنامه داد زیاد هم شد مالیات را بدهد.

اما وقتی که اظهارنامه کم من گوسفند کم شده یا گوسفند ندارم یا گوسفند را فروخته ام یا اینکه گوسفند ما را تلف شده است وقت تعقیب کنند دیگر نباید مالیات بدهد این است که بنده اینطور پیشنهاد کردم رئیس - آقای عدل (اجازه)

عقل - بنده با پیشنهاد ایشان معالفتی ندارم و عقیده ام این است که فقط لفظ دارند گانی که در اینجا نوشته شده است جواب آقای را میدهد برای اینکه اگر هر وقت یا ببرد دیگر چیزی ندارد که از او مطالبه مالیات کنند.

مخبر - در جلسه سابق خیال میکردم که توضیحات کافی بود و آقای شبروانی قانع شده اند ولی می بینم که ایشان هنوز قانع نشده اند و بیک پیشنهادی که فرمایش خودشان در حق آن پیشنهاد صادق است آن را تقدیم کرده اند.

کمسیون در قسمت اول ماده تکلیف دولت را در موقع میزی معین کرده و در قسمت ثانی ترتیب اجراء آن را معین کند.

اول می نویسد میزی حیوانات نسبت به یک قریه و یا قراء و یا بلوک یا طایفه و غیره بطور جمعی است.

یعنی امسال که میزی فرضاً به قریه حسن آباد رفته اند و تشخص دادند که چقدر مالیات در سال باید این ده بدهد تا ۷ سال دیگر پس از این میزی ریش مردم حسن آباد از دست میزی راحت است و هر سال دیگر نمی آیند گوسفند هایش را بشمارند و از بکس بکنند.

اسمالم می آیند میزی میکنند و می بینند حسن دارای صد گوسفند است یا جعفر دارای ۲۰ گوسفند است سال دیگر هم می آیند و با میگویند یا مالیات صد گوسفند یا ۲۰ گوسفند را بده در صورتی که حسن گوسفندش را فروخته باشد یعنی با جعفر شترش را فروخته باشد یعنی مالیات نوشته ایم همه ساله مالیات از دارندگان حیوانات بطریق فوق گرفته شود و این صد تومانی را که مثلاً باید مالکین حیوانات

شماره حیوانات دست بدهد بگردد یا بکس بدهد بدیگری بفروشد و آنوقت مالیات از صاحب لولش مطالبه شود و اینکه خریده ازدادن مالیات معاف بماند این صحیح است و باید اینطور باشد ولی در تشخیص این مطلب برای دولت اسباب اشکال میشود.

برای اینکه دولت نمیتواند تشخیص بدهد که کی مثلاً گوسفند خریده و کی فروخته میاید که نه ای آن ده یا مثلاً با شیرین دهات خودشان در موقع پرداخت مالیات به نشینند و قرائی برای پرداخت مالیات خودشان بدهند و آن مالیات را بین رعایا تقسیم بندی کنند.

در این صورت هم باز قدری اشکال پیدا میکند زیرا در صورتی که گوسفندی را از این ده بدهد دیگر فروخته باشند اسباب اشکال برای کم خدایان میشود برای اینکه از این ده به آن ده رفتن یا از این طایفه به آن طایفه رفتن اسباب زحمت کم خدایان یا با ما شریک می شود آنوقت ما شریک میگردیم که ما مأمورین مالیات را در حالت بدین بنایر این با آن نظری که ما داریم و احتراز میکنیم از اینکه مأمور مالیات هم روزی اسباب مزاحمت رعایا فراهم بیاورند آن اشکال پیش خواهد آمد و چون این اشکالات بنظر بنده باید رفع شود و از آن طرف هم این قانون صورت عملی خودش بگیرد بنده پیشنهاد کرده ام که بلوک قراء از ماده حذف شود در آن صورت رفع این اشکالات میشود و آنوقت یک طایفه یا یک قریه بین خودشان اینکار را میکنند و محتاج به مأمور مالیات نیستند.

مخبر - کمسیون با این پیشنهاد موافقت دارد. رئیس - قبول میکنند. مخبر - بلی قبول میکنند. رئیس - پیشنهاد آقای اسمعیل خان - قشقای هم دیگر مورد ندارد. قشقای - بلی مسترد میکنند. رئیس - پیشنهاد شاهزاده محمدولی مورد ندارد. محمدولی میرزا - بلی.

رئیس - پیشنهاد آقای تهرانی (بضمون ذیل خوانده شد) تبصره ۴ را بشرح ذیل پیش نهاد می نمایم: تبصره ۴ - میزی حیوانات نسبت به یک قریه یا طایفه و غیره بطور جمعی است و همه ساله مالیات از دارندگان حیوانات به میزان فوق مأخوذ میشود.

رئیس - آقای بیات (اجازه) بیات - اینجا اختلافی که پیش نهاد بنده با ماده ۴ که از کمسیون گذشته دارد این است که در پیشنهاد بنده قسمت فرمایا بلوک حذف شده و علتش هم این است که بطوری که آقای حائری زاده اظهار نمودند.

بعد از این میزی باید تمام پنج سال با هفت سال آنرا از طرف مأمورین مالیات مزاحمت بپودریان داده نشود و ممکن است در این مدت پنج سال همانطوری که اظهار

تومانی را که مثلاً برای هزار گوسفند مالیات میداده است همان مبلغ را بدهد در صورتی که بیشتر از یکصد و پنجاه گوسفند ندارد و این یک ظلمی است که گوسفند بدهد می شود آفت آسمانی آمده است و او را از هستی ساقط کرده و چون از آسمان توستری خورده ما هم باید توی سرش بزنیم که حتماً باید عوض یک قران سی و پنج شاهی برای هر گوسفندی بدهی.

منتهی دلیلی که آقایان گفتند این بود که در صورتی که جمعی قرار داده ایم دیگر هر سال یک میزی آنجا نمیروند که اسباب زحمت رعایا را فراهم کند از این جهت ما اختیار تقاضای میزی را بر رعایا داده ایم که هر وقت بخواهند و به پیشنهاد برای آنها ضرر دارد تقاضای تجدید میزی کنند.

ولی این قسمت را در نظر نگرفته اند که اگر چنانچه چهارصد و پنجاه عدد گوسفند رعیت تلف شود تکلیفش چیست. در این صورت این شخص باید پنج تومان و نیم بدهد آنوقت مطابق ماده از او ده تومان مطالبه می کنند و بنظر بنده برای رفع این اشکال باید اینطور نوشته شود و این قسمت ضمیمه شود.

ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند همه ساله میزی جدید بخواهند وقتی که اینطور نوشته شود اعتراض دیگر وارد نمی شود. معاون وزارت مالیه - خیلی خوب است اگر ممکن باشد عملیات داد و ستد مالیاتی سال بسال تجدید شود یعنی همه ساله تشخیص داده شود که این شخص چه میزان هایدی او زیاد یا کم شده است و بهتر از این چیزی نیست یعنی هم مودی مالیات راحت است و هم دولت به تکلیف خودش عمل کرده است.

ولی بنده در بین این پیشنهاداتی که میشود فکر میکنم چطور می شود کارها را با این ترتیب اداره کرد. اداره کردن این کارها را هم باید در ضمن عمل ملاحظه کرد و با این اصولی که اداره مالیه در طرز اداره کردن اینکار دارد این ترتیب از حدود امکان خارج است.

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

نفر مالک مجاور بواسطه مناقشاتی که با آن شخص دارد اگر راپورت بدهد که این رعیت بیست گوسفند علاوه از آنچه که میزی شده پیدا کرده است در این صورت وزارت مالیه مکلف باشد که امروز برود میزی کند.

علاوه بر اینکه اسباب زحمت آنها فراهم می شود اسباب زحمت وزارت مالیه هم فراهم خواهد شد ولی در صورتی که آقای طهرانی فرمودند که آفت برسد و مثلاً چهارصد گوسفند یک نفر مالک تلف شود این را می شود قبول کرد و وزارت مالیه تجدید میزی کند بشرط اینکه کسانی که تقاضای میزی می کنند مخارج میزی را هم می پردازند آنوقت ما نمی نداریم که در سال دوم تبصره اگر بخواهند تقاضای میزی کنند ولی مخارج میزی را بدهند.

مخبر - بنده تصور میکنم این پیشنهاد به نفع دارندگان مواشی نباشد برای اینکه نقطه نظر ما کمتر دخالت دادن دولت است در کار داخلی رعایا و دولت هر چه مداخله اش کمتر باشد در کار رعایا برای آنها بهتر است.

در این صورت این شخص باید پنج تومان و نیم بدهد آنوقت مطابق ماده از او ده تومان مطالبه می کنند و بنظر بنده برای رفع این اشکال باید اینطور نوشته شود و این قسمت ضمیمه شود.

ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند همه ساله میزی جدید بخواهند وقتی که اینطور نوشته شود اعتراض دیگر وارد نمی شود. معاون وزارت مالیه - خیلی خوب است اگر ممکن باشد عملیات داد و ستد مالیاتی سال بسال تجدید شود یعنی همه ساله تشخیص داده شود که این شخص چه میزان هایدی او زیاد یا کم شده است و بهتر از این چیزی نیست یعنی هم مودی مالیات راحت است و هم دولت به تکلیف خودش عمل کرده است.

ولی بنده در بین این پیشنهاداتی که میشود فکر میکنم چطور می شود کارها را با این ترتیب اداره کرد. اداره کردن این کارها را هم باید در ضمن عمل ملاحظه کرد و با این اصولی که اداره مالیه در طرز اداره کردن اینکار دارد این ترتیب از حدود امکان خارج است.

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

نفر مالک مجاور بواسطه مناقشاتی که با آن شخص دارد اگر راپورت بدهد که این رعیت بیست گوسفند علاوه از آنچه که میزی شده پیدا کرده است در این صورت وزارت مالیه مکلف باشد که امروز برود میزی کند.

علاوه بر اینکه اسباب زحمت آنها فراهم می شود اسباب زحمت وزارت مالیه هم فراهم خواهد شد ولی در صورتی که آقای طهرانی فرمودند که آفت برسد و مثلاً چهارصد گوسفند یک نفر مالک تلف شود این را می شود قبول کرد و وزارت مالیه تجدید میزی کند بشرط اینکه کسانی که تقاضای میزی می کنند مخارج میزی را هم می پردازند آنوقت ما نمی نداریم که در سال دوم تبصره اگر بخواهند تقاضای میزی کنند ولی مخارج میزی را بدهند.

مخبر - بنده تصور میکنم این پیشنهاد به نفع دارندگان مواشی نباشد برای اینکه نقطه نظر ما کمتر دخالت دادن دولت است در کار داخلی رعایا و دولت هر چه مداخله اش کمتر باشد در کار رعایا برای آنها بهتر است.

در این صورت این شخص باید پنج تومان و نیم بدهد آنوقت مطابق ماده از او ده تومان مطالبه می کنند و بنظر بنده برای رفع این اشکال باید اینطور نوشته شود و این قسمت ضمیمه شود.

ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند همه ساله میزی جدید بخواهند وقتی که اینطور نوشته شود اعتراض دیگر وارد نمی شود. معاون وزارت مالیه - خیلی خوب است اگر ممکن باشد عملیات داد و ستد مالیاتی سال بسال تجدید شود یعنی همه ساله تشخیص داده شود که این شخص چه میزان هایدی او زیاد یا کم شده است و بهتر از این چیزی نیست یعنی هم مودی مالیات راحت است و هم دولت به تکلیف خودش عمل کرده است.

ولی بنده در بین این پیشنهاداتی که میشود فکر میکنم چطور می شود کارها را با این ترتیب اداره کرد. اداره کردن این کارها را هم باید در ضمن عمل ملاحظه کرد و با این اصولی که اداره مالیه در طرز اداره کردن اینکار دارد این ترتیب از حدود امکان خارج است.

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

اگر چنانچه بخواهد حقیقتاً این ترتیبی که آقای طهرانی فرمودند عمل کند که هر وقت مودی مالیات بخواهد تقاضای تجدید میزی کند وزارت مالیه مکلف باشد که یک تقریر بفرستد و میزی کند این علاوه بر اینکه زحمت فوق العاده دارد یک مخارج فوق العاده هم لازم دارد و از طرف دیگر هم اگر چنانچه مالیه بخواهد در صورتی که یک رعیتی که صد میز دارد ده میز بر آن علاوه شود یا اینکه یک

مالیات مواشی عادلانه باشد زیرا بطوریکه آقای طهرانی فرمودند. چنانچه چهارصد و پنجاه گوسفند این رعیت تلف شود مطابق این ماده باید تمام مالیات هزار گوسفند را بدهد و علاوه بر اینکه و احشام نسبت به مالیات اراضی صد ۱۲ و صد ۱۳ می شود نه صد ۳ و نیم باید در موقعی هم که خسارت به آنها وارد آمده و افغانم و احشام شان تلف شده مالیات آن را هم بدهند.

این هم مثل مالیات ارضی که اگر چنانچه ملک از میان برود و خراب شود دیگری چیزی ندارد که مالیات گرفته شود این شخص هم بیکصد از گوسفندش تلف می شود و دیگر جای آن هم چیزی نیامده که مالیات بدهد.

بنابر این بنده اینطور پیشنهاد کردم که اگر مدلل کرد و ثابت نمود که حیواناتش تلف شده یا از بیرون رفته و عوض آن را هم نه از از مالیات معاف باشد.

مثل سایر مالکین ارضی که وقتی آفت رسید از دادن مالیات معاف هستند اینها هم در صورتیکه احشام آنها از بین برود باید از پرداخت مالیات معاف باشند.

رئیس - عقیده کمسیون چیست؟ مخبر - کمسیون نمی تواند قبول کند. رئیس - رأی می گیریم بقابل توجه بودن این پیشنهاد. آقایانی که موافقت فرمایند (عدد قابل قیام نمودند).

رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد دیگر آقای طهرانی. (شرح ذیل خوانده شد) این بنده پیشنهاد مینماید که در آخر تبصره چهارم اضافه شود: ولی دارندگان حیوانات می توانند هر وقت بخواهند تقاضای میزی جدید نمایند مشروط بر اینکه مخارج میزی جدید را بدهد بگیرند.

رئیس - آقای طهرانی (اجازه) طهرانی - گمان میکنم دیگر محتاج توضیح نباشد و تصور میکنم هم نماینده دوات قبول کند و هم مخبر کمسیون.

مخبر - قبول میکنند. معاون وزارت مالیه - دولت هم می پذیرد. رئیس - ولی این بضرر مودیان مالیات است.

کازرونی بنده مخالفم. رئیس - آقای کازرونی چه می فرماید؟ کازرونی - بنده با این پیشنهادی که قبول کرده مخالفم. رئیس - قبول کرده اند اگر مخالفید

رأی تبصره (بضمون ذیل قرائت شد) پیشنهاد میکنم تبصره بشرح ذیل اصلاح شود: تبصره - در هر سال دارندگان مواشی از یکطرف و دولت از طرف دیگر می توانند تجدید نظر بخواهند و نیز مالکین مواشی حق دارند در موقع نقل محل دیگر یا فروش به غیر بمالیه محل اطلاع بدهند.

رئیس - آقای نظامی (اجازه) نظامی - عرض میکنم این ماده هفت اسباب زحمت برای طایفه رعیت فراهم خواهد کرد. بنده می بینم بیکتر دهانی که دارای چند رأس گوسفند باشد هم روزی زحمت خواهد بود.

ولی بنده اینجا اختیار داده ام باشعاس که دارای پانصد رأس گوسفند هستند بتوانند هر وقت بگوسفند های آنها آفتی وارد آمد بمالیه محل اطلاع بدهند و البته بمالیه محل رسیدگی می کند اگر اظهارشان صحیح است که یک تخفیفی به آنها میدهد و دیگر یک مالیاتی بدون جهت به آنها تحمیل نمی شود دیگر بسته است برای آقایان.

رئیس - آقای رضوی (اجازه) رضوی - این پیشنهاد آقای نظامی به اصلاح کلاً علی ماف است از یکطرف می خواهند از شتر مأمورین دولت فرار کنند از طرف دیگر در این پیشنهاد دولت حق میدهد که همه ساله تجدید میزی بکند و این اسباب زحمت برای مودیان مالیاتست بنابر این بنده مخالفم و علاوه بر این باید در ماده هفتم این مسئله ذکر شود نه در این جا.

رئیس - رأی میکنیم پیشنهاد آقای نظامی (بشرط ذیل خوانده شد) تبصره هفتم این مسئله ذکر شود نه در این جا. رئیس - تصویب نشد پیشنهاد جمعی از آقایان دایر بر یک تبصره اضافی است (بشرط ذیل خوانده شد) ما امضاء کنندگان تقاضا میکنیم تبصره ذیل بساده هفت اضافه شود تبصره - یک عشر از کل هایدات حاصله از ماده فوق برای احتیاجات صحیه ایالات و ولایات و برای دفع آفات و امراض حیوانی در ایالات و ولایات اختصاص داده می شود.

شربت زاده - دکتر حسین بهرامی - محمدولی اسدی - شبروانی (در این موقع معاذ آقایان نمایندگان اجازه خواستند)

رئیس - فقط آقایانی که عضو کمسیون

رئیس - فقط آقایانی که عضو کمسیون

رئیس - فقط آقایانی که عضو کمسیون

هستند میتوانند اجازه بخواهند و صحبت کنند آقای شریعت زاده
 شریعت زاده بمقیده بنده اقدام در رفع حوائج صحتی مملکت بزرگترین قدمی است که جامعه را بطرف سعادت و عظمت می کشاند
 مغرب چون این مسئله در همین قانون از طرف دیگر البته آقایان توجه فرموده و تصدیق میفرمایند که شدت حوائج و فشار عناصری که در کار هستند همیشه و هر سال دولت را مجبور میکند که بودجه خود را موافق با اصل متناهی نودین کند
 باین مناسبت است که در این سنوات مخصوصاً در این دوره مجلس شورای ملی موقفت حاصل شده است که مسئله صحتی که یکی از مسائل حیاتی مملکت است یک فصلی در بودجه عمومی مملکت داشته باشد و تصور می کنم اگر در موقع وضع مالیاتها یک سهمی برای این امر حیاتی مملکت اختصاص داده بشود اکثر آن حوائج رفع می شود
 زیرا وقتی یک وجهی در بودجه اختصاص داده شود باین محل البته دولت ناچار است خرج بکند و آقایان هیچ توجهی نمی فرمایند که ما اینجا در کمال راحت نشسته ایم و هزار ها اولاد ایرانی هه ساله در نتیجه امراض محکوم بمړک می شوند
 رئیس آقای کازرونی عضو کمیسیون هستند
 کازرونی خیر
 رئیس آقای آقا سید یعقوب
 آقا سید یعقوب عضو کمیسیون نیستم
 رئیس آقای دست غیب
 دست غیب - بنده هم عضو کمیسیون نیستم
 رئیس آقای بهر آب زاده
 بهر آب زاده - بنده هم عضو کمیسیون نیستم
 رئیس آقای امامی
 امامی - مرضی ندارم
 رئیس آقای دکتر امیر اعلم هم که عضو کمیسیون نیستند
 آقای عدل
 (اجازه)
 عدل در اینکه صحتی برای مملکت خیلی لازمت است این مسئله است که محتاج بنما کره نیست ولی بنده عقیده ام اینست که قانون برای مالیات گرفتن گذاشته میشود نه برای خرج و برای خرج دولت هه ساله یک بودجه می آورد در کمیسیون بودجه و کمیسیون هم ملاحظه میکند و می آورد از مجلس میگذراند
 ما اگر بنامان بر این باشد در هر مالیاتی که وضع میکنیم یک زنگوله هم دنبالش بنده تصور میکنم عملی باشد ما نمیگوئیم صحتی نباشد البته صحتی برای انسانها لازمت است برای حیوانات هم لازم

است برای اطفال هم لازم است ولی این را باید خود اداره صحتی بنویسد و بیاورد اینجا ما هم بالای سرمان میگذاریم و قبول میکنیم والا این قانون را بآن قانون مخلوط کردن بنده عملی نمی بینم
 مغرب چون این مسئله در همین قانون سابقه دارد و بنده هم نظراً از آنکه کمیسیون را موافق می بینم از این جهت قبول می کنم
 یک نفر از نمایندگان - دو بار قرائت شود
 (مجدداً شرح سابق خوانده شد)
 آقای شیخ فرج الله بنده مغالغم و بلا هم اجازه خواسته بودم
 معاون وزارت مالیه البته موافق نظامات مجلس این قبیل مسائل در صورتی که سابقه مذاکره در کمیسیون میداشته است و موافقت نظری بین دولت و کمیسیون حاصل می شده است در مجلس چندین مورد مذاکره واقع نمی شد
 ولی نظر باینکه این مطلب علی الفقه در مجلس مطرح شده بود در کمیسیون ما در این باب نشده و بنده هم سابقه ندارم طلب یک قدری طولانی شده است ولی در وزارت مالیه راجع باین مسئله مذاکرات زیادی شده که آیامی شود قبول کرد که در وضع هر مالیاتی یک قسمت خرجی برای یک امری معین کنیم یا نه
 بالاخره دیدیم ممکن نیست زانجا اگر ممکن بود قبول می کردیم چون تصویب گرفته ایم این اصلی را که از هر عاوندی یک قسمت را بیک خرجی تخصیص بدیم از این جهت نمی توانم قبول کنم و حتی المقدور سعی می کنم که املا این اصل را در امور مالیه مرتفع نمایم و نسبت باین مسئله دولت هم موافق نیست ولی معذراً اگر کمیسیون موافق است و مجلس هم رأی میدهد آن مسئله است علیحد
 رئیس فقط راه حلی که دارد اینکه آقایان نسبت بماده و تبصره ها میتوانند تقاضای تجزیه بکنند و آقایانی که مخالفند رأی نمی دهند
 آقای انسر پیشنهاد کرده اند صدی پنجاه این عوارض صرف رفق آفات حیوانی انسر - عرض می کنم این پیشنهاد بطور اجمال است یعنی فقط نوشته است صد دمر معلوم نیست چقدرش برای صحتی است و چقدرش برای دفع آفات حیوانی ولی بنده برای ترجمه این دو قسمت این پیشنهاد را کردم زیرا مؤسسه دفع آفات حیوانی بیشتر اهمیت دارد اگر آقایان توجه بفرمایند سابقه هم داشته است
 مثلا در مالیات نوافل عشرش را برای آبله کوبی تخصیص داده اند در صورتی

که چندان تناسبی هم با هم ندارند ولی در اینجا بمقیده بنده گرازا این مبلغی که از خود این حیوانات بعنوان مالیات می گیرند یک قسمتی را صرف دفع امراض و آفات آنها بکنند تناسبش بدرجات بیشتر از آنجا است
 رئیس - (خطاب به آقای انسر) این صد پنجاه علاوه بر آن صد ده است؟
 انسر خیر آن صد ده را تقسیم کرده صدی پنجاه برای صحتی ایالات و صدی پنجاه برای دفع آفات حیوانی
 رئیس - پس پیشنهادتان اصلاح بفرمائید آقای مغرب چه میفرمائید
 مغرب - این از وظائف کمیسیون بودجه و دولت است کمیسیون نمی تواند قبول کند
 رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای انسر آقایانی که قائل توجه میدانند قیام فرمایند
 (عده قلبی قیام نمودند)
 رئیس - قائل توجه نشد
 آقای ضیاء
 (اینطور قرائت شد)
 پیشنهاد می شود تبصره که کمیسیون قبول نمود علاوه شود (بلوکات و ایلات)
 رئیس - آقای آقا ضیاء
 (اجازه)
 آقای سید ابراهیم ضیاء - پیشنهادی که بمضای چند نفر از آقایان تقدیم شد و مغرب محترم کمیسیون قبول فرمودند این بود که یک عشر از مایه دانی که موافق این ماده حاصل می شود (که ماده هفتم بخصوص باشد) تخصیص داده شود بصحتی ایالات و ولایات در حالیکه اصلاً این مالیات رویهم رفته از دهات و بلوکات و ایلات گرفته می شود و گاو - میری و سایر ایلات هم بیشتر توجه همین دهات و ایلات است
 در اینصورت عدالت و انصاف مقتضی است که این مبلغ تخصیص داده شود بصحتی دهات و ایلات و در این تبصره که قای مغرب قبول کردند ذکر از ایلات و بلوکات و دهات نشده اند بنده پیشنهاد کردم که ایلات و بلوکات هم علاوه شود
 معاون وزارت مالیه البته عرض می کنم که بنده می کنم متناسب است با پیشنهادی که از طرف آقا شده است و باینکه چون در زمینه اصل پیشنهاد تخصیص دادن این مقدار از مالیات برای صحتی است
 این است که برای تکمیل آن مختصری که تیار عرض کردم لازم دانستم که با معضار خاطر محترم آقایان برسانم
 ترتیب بوده ام از جمع خرج چنانچه سال قبل یک ترتیبی در مملکت داشته ولی از چند سال به اینطرف خیلی مراقبت ها و مواظبت ها شده که نه تنها مالیات ها بلکه کلیه مخارج هم باید به تصویب مجلس باشد
 علاوه بر این یک چیز دیگری هم که

باید کاملاً رعایت شود این است که یک اصل مسلمی در وزارت مالیه برای تدوین حیوانات بعنوان مالیات می گیرند یک قسمتی را صرف دفع امراض و آفات آنها بکنند و بقیه وجه مخارج مخلوط با عایدات نشود و بالعکس
 علاوه نسبت بآنچه عرضی معارضی بود در تمام مالیات ها هم که صدی نیم در اینجا برای معارف معین شد و مجلس هم تصویب فرمود
 بنده در خاطر دارم و اگر نظر آقایان محترم باشد بنده در تمام این قسمت ها عرض کردم که این ترتیب صورت اداری ندارد
 معذراً چون مجلس تصویب کرده است البته وزارت مالیه تکلیفش اطاعت امر مجلس است
 ولی مانع از این نیست که آن طرفه را که در اداره مالیه معمول است و بالاخره بر حرح تکامل یا گدالتش برسانیم آن را عرض کنم که آقایان هم التفات بفرمایند که نسبت باین مسائل در معضور نیابیم و نسبت بآنچه نظر بیکه راجع بجمع و خرج بودجه مملکت است تا این شود مخصوصاً راجع بصحتی شاید اگر بیشتر از آن اندازه کدر نظر آقایان است ما توجه بنابینم لاقول تا همین اندازه توجه هستیم که باید بهر وسیله که ممکن است مسائل صحتی را توسعه داد و بلکه تکمیل نمود
 این یک اصل مهم بلکه در حقیقت تکلیف اولیه است و در وزارت مالیه هم در این قسمت همیشه در نظر هست که باید باین مالیات جدیدی وضع کرد یا از حذف بعضی مخارج که شاید بنظر زانمی آید و یا بالاخره بهر وسیله دیگری که مجلس صلاح بداند یک مبلغی تخصیص داده شود بصحتی که حقیقتاً در تکمیل و توسعه صحتی یک اقدامی باشد
 بهین مناسبت هم هست که از طرف صحتی هر وقت هر اندامی یا یک اشاره نسبت باین موضوع شده است بجهت اینکه امر حیاتی و مهمی است و موثر در زندگی کانی آتی ما خواهد بود
 اما اینکه در موقعیکه وضع یک مالیاتی می شود یک قسمتی از آن تخصیص داده شود بصحتی یا برای امر دیگری این ترتیب همان قاعده بوده است که تا بحال در این مملکت معمول بوده
 ولی ما می خواهیم بعدها این رویه را باشد شوق نقش کنیم زیرا این رویه آن ترتیب جمع و خرج را که مایه در جای خودش محفوظ نگاه داریم از این می برد و اسباب هزار نوع معضرات می شود
 حالا اگر هم یکی دو مورد اتفاق افتاده است که سابقه واقع شده است هیچ مانع از این نیست که موقوفه بودجه را محفوظ بداریم و علاوه باین حس احساساتی که

از طرف دولت نسبت بجلو گیری از امراض و اموری سعی می شود ممکن است یک مجلسی پیدا کند
 یک لایحه در این باب تقدیم بشود این که مخارجی را که در بودجه هست و مجلس شورای ملی تصور می فرماید یک قسمتی از آن را حذف کنیم و بر بودجه صحتی اضافه کنیم
 ولی از نقطه نظر ترتیب بودجه که به ما مایه حفظ کنیم است ما می کنیم این ترتیب را که در موضوع هر مالیاتی یک قسمتی را تخصیص بدیم برای یک امری خود داری فرمایند
 رئیس - عقیده کمیسیون چیست؟
 مغرب - بنده چون ایل و قریه سراغ ندارم که خارج از ناحیه ایالات و ولایات باشد از اینجهت نمی توانم قبول کنم
 رئیس - ایلات و بلوکات و سایر توابع در ضمن ایالات و ولایات محسوب است مع ذلک رأی می گیریم به قائل توجه بودن پیش نهاد آقای آقا ضیاء آقایانیکه قائل توجهش قیام فرمایند
 (عده کمی برخاستند)
 رئیس - قائل توجه نشد چون حقیقت ایالات و ولایات شامل ایلات و بلوکات هم هست ذکرش لزومی ندارد پیشنهاد آقای بنده پیشنهاد میکنم در تبصره مربوط بقسمت صحتی اصلاح ذیل بعمل آید : از عایدات خالص
 رئیس - آقای انشار
 (اجازه)
 انشار - در آن تبصره که خوانده شد معلوم نیست که نظر پیشنهاد کنندگان عایدات خالص است یا بقیه خالص اگر عایدات غیر خالص باشد ممکن است یک تکس فاحش متوجه بودجه بشود
 ولی پس از وضع مخارج که باشد مخارج آن را موضوع میکنند و از عایدات خالص سده باین مصرف مبرسانه و ضرر زیادی هم بوجود می آید
 رئیس - در این پیشنهاد از کمال عایدات مطلق است و اینجا پیشنهاد کرده اند که عبارت از عایدات خالص اضافه شود
 رئیس - در این پیشنهاد از کمال عایدات خالص اضافه شود
 رئیس - کمیسیون نمی تواند قبول کند
 ولی ما می خواهیم بعدها این رویه را باشد شوق نقش کنیم زیرا این رویه آن ترتیب جمع و خرج را که مایه در جای خودش محفوظ نگاه داریم از این می برد و اسباب هزار نوع معضرات می شود
 حالا اگر هم یکی دو مورد اتفاق افتاده است که سابقه واقع شده است هیچ مانع از این نیست که موقوفه بودجه را محفوظ بداریم و علاوه باین حس احساساتی که

(بشرح ذیل خوانده شد)
 در تبصره چهار پیشنهاد میکنم اضافه شود که :
 هر گاه نکت از میزبانی اموال دارنده مواشی کسربیدا شود حق خواهد داشت که تقاضا نامه برای میزبانی بدهد و پس از تحقیق تخفیف داده شود
 رئیس - آقای تشقائی
 (اجازه)
 تشقائی - بنده دیگر لازم نمی دانم توضیح بدهم چون می فرمایند باید در ماده ۱۷ پیشنهاد شود از اینجهت در آن موقع عرض میکنم
 رئیس - پس مسترد میکنید
 تشقائی - بله
 رئیس - چند فقره پیشنهاد اصلاح عبارتی است پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال راجع به تبصره ۳ است
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد :
 در تبصره ۳ سطر ۲ از هر یک از اینها بکراش
 (تبصره سوم غیر کمیسیون شرح ذیل قرائت شد)
 مادیان و اسب و قاطر و الاغ یک رأس
 رئیس - پیشنهاد آقای عدل هم در همین زمینه است دایر باضافه کردن کلمه (یک رأس)
 (بضمون آتی خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ۳ پس از لفظ (مادیان) لفظ (یک رأس) و پس از لفظ (اسب) لفظ (یک رأس) و پس از لفظ (قاطر) لفظ (یک رأس) علاوه شود
 مغرب - کمیسیون هم نظرش همین بوده است که از هر یک از این حیوانات یک رأس معاف باشد
 رئیس - یک نفر دیگر از آقایان هم در همین زمینه پیشنهاد کرده اند
 مغرب - کمیسیون هم موافقت میکند زیرا روحاً با این پیش نهاد موافق است
 رئیس - تقریباً زمینه یکی است (خطاب بآقای عدل) با پیشنهاد آقای آقا شیخ جلال موافقت میکنم بیدارای بگیریم
 عدل - بله قبول میکنم ؟
 رئیس - پیشنهاد دیگری از آقای آقا میرزا شهاب رسیده است قرائت می شود
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در تبصره ۴ ماده ۷ عبارت (بطریق فوق) تبدیل به عبارت (به میزان فوق) شود
 مغرب - قبول میکنم
 رئیس - بسیار خوب تقاضای تجزیه شده است پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب راجع به تجزیه است قرائت می شود
 (بشرح آتی قرائت شد)
 بنده ماده هفتم را درخواست تجزیه می نمایم که بهر یک علیحد رأی گرفته شود
 رئیس - پیشنهاد دیگری هم از طرف آقای انجاد رسیده است آنهم دائر بر این مطلب است
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 بنده نسبت برای گرفتن در ماده ۷ از تبصره آن تقاضای تجزیه میکنم
 رئیس - پیشنهاد آقای کازرونی
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده تقاضا میکنم که اصل ماده تبصره یک و تبصره ۲ و تبصره ۳ جدا گانه رأی گرفته شود و راجع به پیشنهاد آقای طهرانی جدا گانه رأی گرفته شود
 آقا سید یعقوب - یک اصلاحی بنده در اصل ماده کرده بودم
 آقا سید یعقوب - در ماده ۷ فقط نوشته است شتر علاوه بر ۳ سال ولی بنده اضافه کرده ام قاطر و الاغ هم علاوه بر ۳ سال
 رئیس - اگر ملاحظه بفرمائید پیش ریش یک علامتی دارد که اضافه کردن عبارت علاوه بر سه سال را تأمین میکند - رأی می گیریم باصل ماده ۷ تا تبصره یک آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد - رأی می گیریم تبصره یک
 جمعی از نمایندگان - خوانده شود
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 مالیات فوق به حیواناتی تعلق خواهد گرفت که نوافل ماهانه نمی دهند
 رئیس - این قسمت از پیشنهاد قبول شده است
 (بقیه شرح آتی قرائت شد)
 ویارداخت تدریجی ماهانه آنها کمتر از میزان نوافل ماهانه باشد
 عدل - بنده نسبت به تبصره ۱ پیشنهاد تجزیه میکنم
 رئیس - تبصره ۱ تجزیه می شود بدو قسمت ۱ قسمت اول تا اول جمله (و یا پرداخت تدریجی) رأی می گیریم باین قسمت آقایان موافقت قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد - قسمت دوم از ابتداء جمله (و یا پرداخت تدریجی) الی آخر رأی می گیریم باین قسمت آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند
 (عده قلبی قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد - آن قسمت اول عین تبصره یک است و محتاج برای تأمی نیست

عادل - بنده تبصره ۲ و ۳ را پیشنهاد کرده ام یکی شود
 مدرس - پیشنهاد تجزیه شده
 رئیس - تبصره ۲ قبول شده است به عرض آقایان بپردازم
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 عوامل زراعت از قبیل گاو و گاو میش کار و اسب و قاطر و الاغ که احتیاجات زراعتی را مرتفع سازد تا دیه مالیات معاف است
 رئیس - رأی می گیریم باین تبصره بطریق فوق قرائت شد آقای مغرب هم قبول کرده اند
 آقایانی که موافق هستند قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد - تبصره سه
 عدل - بنده پیشنهاد داده ام که لفظ علاوه اضافه شود
 رئیس - در کجا؟
 عدل - (در حال جلوس) عرض می شود در آن یکی
 رئیس - اولاً باید استید بعد فرمایشتان را بفرمائید
 عدل - بله بنده پیشنهاد کرده ام عوض لفظ (تبصره ۳) نوشته شود :
 علاوه مالکین حیوانات از پرداخت مالیات عده حیوانات ذیل معافند چرایی کار را کرده ام برای اینکه در بالا نوشته شده است گاو گاو و گاو میش فر
 آنجا آن گاو و گاو میش را برای این ذکر کرده اند که معاف باشند آنوقت وقتی که موقع اخذ مالیات می شود فقط یک الاغ را معاف میکنند
 وحال آنکه دولت میخواهد یک الاغ آنجا معاف باشد و یک الاغ اینجا ولی اینجا یک الاغ را معاف میکنند در صورتیکه آن یک الاغ هم که بار میکشد باید معاف باشد
 اینست که بنده پیشنهاد کردم به جای لفظ تبصره ۳ کلمه (علاوه) گذارده شود
 مغرب - اگر تبصره ۳ را ضمیمه تبصره قبل قرار میدادیم حق آقای عدل بود ولی این تبصره مستغنی است و موافق نظر ایشان هست و مفهوم آن معنی هم هست و این تغییر لازم نیست
 رئیس - مسترد می فرمائید؟
 عدل - خیر بنده پس نمیگیرم
 رئیس - پس باید بعد رأی بگیریم چون اصلاح عبارتی است و در وسط نیستش در وقت گرفت
 عدل - لفظ علاوه را پس از تبصره بگذارید
 رئیس - حالا موقع رأی گرفتن نیست فقط اصلاح عبارتی را می شوند کرده
 تبصره قرائت می شود

(شرح ذیل قرائت شد)
 تبصره ۳- مالکین حیوانات از پرداخت مالیات همه حیوانات ذیل معافند:
 هر خانوار؛ شتر یکگنفر، بز و میش و رأس مادیان و اسب و قاطر و الاغ از هر یک از اینها یک رأس، ماده گاو یا ماده گاو میش یک رأس.
 رئیس- رأی می گیریم به تبصره ۳ آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد. تبصره ۴- پیش نهادی آقای بیات قرائت می شود.
 (بترتیب ذیل خوانده شد)
 میزبانی حیوانات نسبت بیک قریه یا طایفه و عشیره بطور جمعی است و همه مالیات از دارندگان حیوانات میزبان فوق مأخوذ نمیشود.
 رئیس- این اصل پیشنهاد آقای بیات است.
 پیشنهاد آقای طهرانی هم قرائت می شود.
 (اینطور خوانده شد)
 ولی دارندگان حیوانات مزبور می توانند سه ساله میزبانی بدهند و مشروط بر اینکه مخارج میزبانی جدید را به عهده بگیرند.
 رئیس- قبلاً تقاضای تجزیه شده است هم نسبت باین قسمت و هم نسبت به پیشنهاد آقای طهرانی.
 اول رأی می گیریم باصل تبصره تا اول جمله (ولی دارندگان) آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد. رأی می گیریم بقسمت دوم از اول (ولی) تا بآخر آقایان موافقین قیام فرمایند.
 (همه قیامی قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد. مطابق اصل تبصره است. تبصره راجع باخصاص یک عشر بصحبه ایالات و ولایات. تبصره پنج می شود. یک مرتبه دیگر قرائت می شود و رأی می گیریم.
 (تبصره ۵ مجدداً بشرح سابق خوانده شد)
 رئیس- رأی می گیریم به تبصره ۵ آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد. رأی می گیریم به ماده ۷ که مشتمل بر تبصره است.
 رئیس- این اصلاح را حالا پیش نهاد کرده اند؟ بسیار خوب خوانده می شود.
 (شرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم لفظ (تبصره) برداشته شده و بجای آن لفظ (بعلاوه) نوشته شود.
 عدل.

رئیس- عرض کردم این اصلاح بیادنی است. حالا رأی می گیریم پیشنهاد اولیه شان که بجای (تبصره) کلمه (بعلاوه) نوشته شود. آقای مخبر قبول نمی کنند؟
 رئیس- بله. خیر مفهوم همین است. رئیس- باین پیشنهاد اصلاً نمی شود رأی گرفت ولی در ترتیب هجرت می شود قبول کرد که عبارت را پس و پیش بکنند یا یک ماده دیگری بکنند ولی دیگر حالات وقت نیست.
 رأی می گیریم باصل ماده وقت که مشتمل بر تبصره است. آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند.
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس- تصویب شد. آقایان موافقت جلسه را ختم کنیم.
 جمعی از نمایندگان - صحیح است.
 معاون وزارت مالیه - لایحه در دوازدهم بابت آذر ماه و دیماه تقدیم می شود.
 رئیس- یکمسیون بودجه قلمبه از جاع می شود جلسه آینه روز سه شنبه ساعت و نیم قبل از ظهر. دست ر هم بقیه دستور امروز (مجلس یک ساعت بعد از ظهر ختم شد)
 رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد ندین منشی شهاب منشی علی خطیبی
 جلسه ۲۲۷
 صورت مشروح مجلس نوزدهم آذرماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۴۴
 مجلس دو ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای ندین تشکیل گردید.
 (صورت مجلس سه شنبه هفدهم آذرماه را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند)
 رئیس - آقای حاج آقا رضا رفیع.
 حاج آقا رضا رفیع - قبل از دستور عرض دارم.
 رئیس - آقای امامی.
 امامی - قبل از دستور عرض دارم.
 رئیس - آقای افشار.
 افشار - قبل از دستور عرض دارم.
 رئیس - آقای دکتر امیرخان اعلم.
 دکتر امیرخان اعلم - بنده هم قبل از دستور عرض دارم.
 رئیس - آقای سید به قریب.
 آقای سید به قریب - قبل از دستور.
 رئیس - آقای یاسینی.

یاسینی - قبل از دستور رئیس - آقای عراقی (اجازه)
 عراقی - قبل از دستور رئیس - آقای اتحاد دارم.
 رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟
 (گفته شد خیر)
 رئیس - صورت مجلس تصویب شد. آقای رفیع (اجازه)
 حاج آقا رضا رفیع - در چند جلسه قبل یک شکایتی از گیلان رسیده بود که بحضور معترم امضاء مجلس مقدس عرض کردم و وزارت مالیه تذکر داده شد. در باب صدور برنج و مالیات آن بر اثر آن تذکری که از طرف مجلس داده شد و آن کافندی که از طرف مقام مقدس ریاست وزارت مالیه نوشته شد اقداماتی که بعمل آمده است برای اطلاع خاطر آقایان عرض میفرمایم.
 چون این مسئله مسئله جناب است برای گیلان و مازندران لازم است علناً اظهار شود که تجار هم در این خصوص اطلاع پیدا کنند.
 برنج گیلان سه قسم است: برنج رسمی و صدزی و چمیا. برنج چمیا را آزاد کردند که حمل بشود. برنج رسمی هم که خوراک مردم است آن را هم فرار دادند که اضافه بر احتیاجات مردم حمل شود.
 در باب برنج صدزی از نقطه نظر تأمین ارزاق آنها صلاح میدانستند معافت شود و بالاخره اینطور فرار شد که دو خوراک حمل شود بخارج و یک خوراک آزاد حمل کنند ضامن شود که با بران وارد کند و مدت این جواز هم شش هفته خواهد بود و عموم مردم در عرض این شش هفته میتوانند از گیلان و مازندران برنج صدزی را حمل کنند باین ترتیب که دو خوراک حمل کنند و یک خوراک آزاد کنند و باین ترتیب حمل برنج صدزی را آزاد کرده اند.
 در باب مالیات گیلان هم باین ترتیبی که قرار داده بودند اینطور فرار شد که خدوسط مابین مالیات پارسال و اتلان بگذرد این هم اسباب رفاهیت مردم است و بنده از مقام معترم ریاست مجلس تشکر میکنم و ضمناً هم از مستشاران مالیه متشکر هستم مخصوصاً از دکتر مینسپو

وکلان را که کمک خدمت بزرگی باهل گیلان کرده اند.
 آقای سید به قریب - خیلی خوب. ما هم تشکر میکنیم.
 رئیس - آقای امامی (اجازه)
 آقای میرزا جواد خان امامی - قبل از عرض مقصود لازم میدانم خاطر شریف آقای حاج حسن آقای ملک را بکنند که دیروز در اینجا فرمودند متوجه بکنم.
 البته هر کیلی موظف و مکلف است راجع بقضایاتی که در ادارات جریان پیدا میکند کاملاً نظارت کند و خلاف قانونیکه در وزارتخانه سر میزند بطوریکه نظامنامه کاملاً راه آن را پیا پیا داده است از آن راه وارد شود شوال کند اگر از آن راه جبران نشود استیضاح کند.
 بنده بعد از آنکه آقای حاج حسن آقای ملک دیروز راجع بکنترات ارباب بهمن در اینجا اظهاراتی فرمودند مخصوصاً یک تحقیقات لازمی بعمل آوردم و معلوم شد جریان قضیه از این قرار بوده است که بعضی آقایان میرسانم قبل از تصدی آقای خدایارخان امیر لشکر وزارت پست و تلگراف یک کنتراتی وزارت پست و تلگراف با ارباب بهمن بسته است. و این کنترات با اینکه بر ضرر دولت بوده است. متصدیش حالا برای چه و از چه نفعه نظری این کنترات را بسته است بنده ندانم...
 شایروانی - این موضوع مطرح است؟ اگر مطرح است ما هم اجازه میخواستیم.
 امامی - بنده حالا عرض می کنم بعداگر خواستید جواب بدهید.
 یک نفر از نمایندگان - وزیر باید جواب بدهد.
 رئیس - وقتیکه مذاکره قبل از دستور را تصویب میفرمایند این معایب را هم دارد.
 امامی - آقای خدایارخان امیر لشکر در زمان خودشان پس از آنکه میبینند این کنترات برخلاف مصالح دولت بوده است و بلاوه ارباب بهمن هم مواد کنترات را کاملاً اجرا نمیکنند مراتب را برض هیئت وزراء میرسانند که این آدم گذشته از اینکه کنتراتش بر ضرر دولت است اصلاً موادی را هم که در این کنترات ذکر شده کاملاً اجرا نمیکنند و از این راه ضرر عده متوجه دولت می شود مخصوصاً بواسطه نرساندن پست های مقررده بطوری که در کنترات ذکر شده بوده است یک ضررهای فاحشی در این مدت که ایشان کنتراتشان را اجرا میکرده اند بدولت میرسانیدند.

شایروانی - اینطور نیست.
 امامی - جناب عالی هم اجازه بخواهید بعد بیایید حرف بزنید. بنده عرض کردم تحقیقاتی که کردم از این قرار است.
 آقای خدایارخان امیر لشکر وزیر پست و تلگراف وقت برای حفظ مصالح و منافع دولت مخصوصاً مسراتب را برض هیئت وزراء میرسانند و با تصویب هیئت وزراء کنترات ایشان را میفرمایند و این نوع کنترات برخلاف قانون بوده است بلکه بموجب شرطیکه در کنتراتش بوده است که اگر مواد کنترات را کاملاً اجرا نکند کنترات ملغی خواهد بود و ایشان هم اجرا نکرده بودند و ضرر عده متوجه دولت شده بود است هیئت وزراء این تصویب نامه را صادر کرده و کنترات را ملغی کرده اند.
 بهر حال بنده نمی خواهم جواب آنرا از طرف وزیر بیاورم یا از طرف وزارت خانه برض آقایان برسانم.
 این نتیجه تحقیقاتی بود که بنده برض رسانیدم و ضمناً خواستم از آقای حاج حسن آقای ملک تقاضا کنم که در ضمن فرمایشاتشان نسبت به هیئت دولتی که رأی اعتماد با آنها داده ایم یک قدری حفظ نزاکت را هم فرمایند و مقصود بنده از این تصدیق این بود.
 دیگر اینکه البته خاطر آقایان نمایندگان مستضر است که اهالی آذربایجان با تحمل یک زحمت و مشقات فوق العاده ای در نتیجه مسامح آقای عبدالوهاب خان امیر لشکر یک رشته طرق را برای خودشان احداث کرده اند و این طرق را بجهت احتیاج بشکلی بوده است مخصوصاً راه ظهران به تبریز که با تحمل فوق العاده مشقات و خسارات و زحمات اهالی خودشان این راه را احداث کرده اند و لازم بود که دولت هم یک توجهی بآن راهها بکند تا آن راه تکمیل شود و روابط گریز آذربایجان کاملاً برقرار باشد.
 در موقعیکه قانون اعتبارات تصویب و بنجام یک هزار تومان برای طرق و شوارع از مجلس میگذشت.
 خاطر آقایان مستضر است که در آن موقع بنده و رفقای بنده مخصوصاً تقاضا کردیم که یک قسمت مهم از این وجه تخصیص بآذربایجان داده شود. آقای وزیر فرمودند عامه هم قبول کردند که با قید الا هم فالاهم یک مقدار از این پول را برای طرق آذربایجان تخصیص بدهند.
 متأسفانه با اینکه امروزه یک قسمت مهم ارزاق نهران آذربایجان میدهد و از آذربایجان حمل می کنند دیناری از این وجه را باین راه یا راههای دیگر آنجا تخصیص نداده اند.

بنده مقصودم این بود که از مقام ریاست مخصوصاً تقاضا کنم که با قیام وزیر فوائد عامه تذکره داده شود که بطوریکه در مجلس خودشان مقبول شده که نسبت بر راههای آذربایجان توجهی بکنند از این اعتبارات تصویب و بنجام و یک هزار تومان که از طرف مجلس تصویب شده یک مقدار همش را یا مقدار قلیلش را (مقدار همش را هم نخواستیم) یک مقدار قلیلش را تخصیص بآنجا بدهند.
 یک موضوع دیگری راهم که باز میخواستیم برض آقایان برسانم و آنهم خیلی مختصر است (و مختصر میخواستیم از اینکه چند دقیقه وقت آقایان را تضییع کردیم).
 این است که بطوریکه چند دفعه هم عرض کرده ام طرحی راجع به معایت سلعاس و خوی در اواسط سال گذشته بمجلس تقدیم شد و آن طرح در مجلس هم قابل توجه شد و یکمسیون قوانین مالیه هم ارجاع شده است.
 بهر حال بنده نمی خواهم جواب آنرا از طرف وزیر بیاورم یا از طرف وزارت خانه برض آقایان برسانم.
 این نتیجه تحقیقاتی بود که بنده برض رسانیدم و ضمناً خواستم از آقای حاج حسن آقای ملک تقاضا کنم که در ضمن فرمایشاتشان نسبت به هیئت دولتی که رأی اعتماد با آنها داده ایم یک قدری حفظ نزاکت را هم فرمایند و مقصود بنده از این تصدیق این بود.
 دیگر اینکه البته خاطر آقایان نمایندگان مستضر است که اهالی آذربایجان با تحمل یک زحمت و مشقات فوق العاده ای در نتیجه مسامح آقای عبدالوهاب خان امیر لشکر یک رشته طرق را برای خودشان احداث کرده اند و این طرق را بجهت احتیاج بشکلی بوده است مخصوصاً راه ظهران به تبریز که با تحمل فوق العاده مشقات و خسارات و زحمات اهالی خودشان این راه را احداث کرده اند و لازم بود که دولت هم یک توجهی بآن راهها بکند تا آن راه تکمیل شود و روابط گریز آذربایجان کاملاً برقرار باشد.
 در موقعیکه قانون اعتبارات تصویب و بنجام یک هزار تومان برای طرق و شوارع از مجلس میگذشت.
 خاطر آقایان مستضر است که در آن موقع بنده و رفقای بنده مخصوصاً تقاضا کردیم که یک قسمت مهم از این وجه تخصیص بآذربایجان داده شود. آقای وزیر فرمودند عامه هم قبول کردند که با قید الا هم فالاهم یک مقدار از این پول را برای طرق آذربایجان تخصیص بدهند.
 متأسفانه با اینکه امروزه یک قسمت مهم ارزاق نهران آذربایجان میدهد و از آذربایجان حمل می کنند دیناری از این وجه را باین راه یا راههای دیگر آنجا تخصیص نداده اند.

بعلاوه تکلیف بنده هم قدری شکل است.
 ماده صد و دهم قرائت میشود بعد عرض میکنم.
 (ماده صد و دهم نظامنامه داخلی بشرح ذیل قرائت شد)
 ماده (۱۱۰) ناطق باید از موضوع مباحثه خارج نشود. چنانچه خارج شود رئیس او را تذکر مسازد و اگر ناطق مزبور بخواهد توضیحاتی بدهد که او از موضوع خارج نشده است یا آنکه خارج از موضوع شدن دلائل دارد در این باب اجازه داده نخواهد شد.
 رئیس - این ماده راجع بحفظ انتظام جلسه رسمی است. مذاکره قبل از دستور در صورتی که بنده بنده نام چه چیز است. اگر یک موضوعاتی را بگوئید که مصلحت نباشد که باید جاوگیری کند؟
 و بلاوه جزو دستور هم که نیست بنابراین خوبست آقایان توجه فرمایند تضایب را و از محور خودش حل کنند آقای ملک اگر توضیحی دارید بفرمائید.
 حاج حسن آقا ملک - بیاناتی که آقای امامی کردند یعنی فرمودند راجع بدان کرات آروز بنده.
 بنده با یک دلائل و مدارکی که عبارت باشد از دوسه و موجوده در کمیسیون برارض برارضم را عرض کردم و اینکه به بنده تذکر میدادند که نسبت بوزراء نباید تذکری داده شود بنده برخلاف این عقیده هستم خودشان هم برخلاف بودند زیرا در همین حال خودشان بوزارت فوائد عامه معترض بودند.
 مسئله تذکر بوزراء و رعایت حفظ قوانین از وظائف خاصه و کلاه است و کلاه باید بوزراء تذکر بدهند.
 بنده نمی خواستم حمله کرده باشم حالا هم این عقیده را ندارم والا مطالبی که راجع بوزارت پست و تلگراف بنده اطلاع دارم که یک فقره اش یک کروکر عمل امسال است و اینها بواسطه چه شده است همه را در جلسات آتی البته شرح خواهم داد.
 ولی عیال آقای امامی رفیق مجلس بنده برادر بزرگتر بنده. برای اینکه در مجلس گفته نشود که بواسطه نوم و خویش و مصیبت این دفعه را کرده اند.
 امامی - خارج از موضوع است ملک. خیر بنده از موضوع بچه چوچه خارج نشده ام.
 رئیس - نسبت آنچه که تقاضا کرده اید توضیح بدهید.
 ملک - بنده راجع با آقای ارباب بهمن میخواستیم عرض کنم دوسه عمل موجود است و شرحی که آقا فرمودند برخلاف دوسه است و برخلاف موضوع هم صحبت کرده اند.

امامی - بنده توضیح دارم (صدای زنک رئیس)
 رئیس - دور و تلسل که نمی شود راپرت کمیسیون قوانین مالیه راجع بقانون میزبانی مطرح است.
 ماده سیزدهم یکمسیون ارجاع شده بود و هنوز راپرت جدیدی نرسیده است ماده چهاردهم هم چون مربوط بماده سیزدهم است مطرح نمیشود.
 آقای اتحاد بیخشد راجع بدستور فرمایشی دارید؟
 اتحاد - هر ایضی که بنده میخواستیم عرض کنم آنقدر مؤثر در دستور و قانون میزبانی نیست.
 بعضی از اعتبارنامه ها هست که تا بحال که دو ماه بیشتر بآخر دوره باقی نمانده تکلیفش معین نشده است.
 من جمله اعتبارنامه آقای علی خان اعظمی امیر کل است که شعبه معناتی است تصدیق کرده و راپرتش گویا حاضر باشد میخواستیم تذکر کنیم در اول دستور مطرح شود.
 بعضی از نمایندگان - صحیح است.
 رئیس - مغالطی ندارد؟ (گفته شد خیر)
 رئیس - راپرت شعبه قرائت میشود (بشرح آتی قرائت شد)
 خبر از شعبه اول به مجلس شورای ملی:
 انتخابات حوزه انتخابیه کرمانشاهان در تاریخ ۲۸ شوال ۱۳۴۱ شروع و در تاریخ ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۴۲ خاتمه یافته و آقای علی خان اعظمی (امیر کل) با اکثریت (۲۱۷۰) رأی از (۲۵۱۱۳) رأی نمایندگان مجلس شورای ملی انتخاب شده اند و شعبه اول مستقره ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ در جلسات عده بدوسه انتخابات کرمانشاهان و صورت مجلس و اعتبار نامه معزی الیه رسیدگی و وقت کامل نموده و در جلسه ۲۸ حمل ۱۳۰۳ با اکثریت آراء صحت انتخاب و نمایندگان آقای علی خان اعظمی را تصدیق و تصویب نموده راپرت آنرا در همان تاریخ تقدیم مقام ریاست نموده است.
 رئیس - آقای عراقی مخالفم.
 رئیس - میباید برای جلسه بعد ماده یازدهم راپرت کمیسیون قوانین مالیه قرائت میشود (بضمون ذیل خوانده شد)
 ماده یازدهم - مالیاتی که مطابق مواد این قانون برای هر ملک تشخیص داده میشود تا ده سال مدرک قانونی مالیاتی خواهد بود.
 رئیس - آقای میرزا محمد خان وکیل (اجازه)

میرزا محمدخان وکیل - در این ماده عرضی ندارم.
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده گمان نمیکنم که سیوسون محترم در ضمن مراجعه این قانون يك مهوی فرموده باشند در اوائلی که این قانون پیشنهاد شد و مطرح شد بنده بخاطر دارم که همچو تشخيص داده بودند که عایدات سه سال از ده سال اخیریا سه سال قبل از سال میزری یعنی يك سال متوسط يك سال عالی و يك سال دانی روی هم مدرک میزری قرارداد شده در اینجا ابتدا ذکر میزری از این مسئله نشده نماید نماید.
 فقط نوشته مالیاتی که تشخيص میدهند برای ده سال است.
 حالا بطور تشخيص میدهند در این قانون در صورتی که در اصلش بوده است بنده عقیده دارم که قبل از این ماده باید ذکر شود که مالیات باستانی در سه سال عالی ودانی و متوسط مدرک میزری قرار داده شود آنوقت این مدرک هر قدر معین شد برای ده سال باشد خوب توضیح میدهند که این مطلب مضر است و مستتر است در این قانون یا نه؟
رئیس - آقای آقا سید یعقوب - (اجازه)
آقا سید یعقوب - اینکه آقای کازرونی فرمودند گمان نمیکنم مطلبی به این ماده ندارد برای اینکه اینجا این را بیان میکنند که بعد از میزری کردن هر ملک تا ده سال دیگر مأمور مالیه طرف آن ملک نتواند آمد و رعیت یا مالک میدانند میزری تا چند سال است.
 اینجا بسال اول و دوم و حد وسط کار ندارد.
 عنوان عنوان این است که بین این میزری و آن میزری مدتی هست و آن مدتی را معین کرده که ده سال است.
رئیس - آقای قشقائی - در این ماده عرضی ندارم
رئیس - آقای شیروانی (اجازه)
 شیروانی - بنده يك موضوعی را میخواستم تذکر بدهم در این قانون که در مواد قبل جایی برای تذکر این مرضی پیدا نکردم جز اینکه در این ماده يك تناسبی دولت تشریف ندارند و مخصوصا میخواهم نظر مغیر کمیسیون را باین نکته جلب کنم.
 در اوائلی که این قانون مطرح شد

آقای مدرس و بعضی دیگر از آقایان نمایندگان مسئله خالصه انتقالی را تذکر دادند که باید آن هم جزو این قانون و در ردیف همین قانون بیاید بجس و بتصویب برسد.
 نماینده دولت مخصوصا یکی از وزراء نظر میبست که بود . گویا آقای فاطمی بودند که در آن موقع اظهار کردند که در همین چند روزی که شما این قانون را میگذرانید باید يك لایحه مربوط به خالصات انتقالی مستقلا بمجلس میآوریم و اتفاقا این چند روز تقریبا دو ماه شده و آتاری از این لایحه که وزیر وعده دادند بنده در مجلس ندیدم.
 فعلا در این ماده بعد از عکفایت مذاکره بنده يك پیشنهادی خواهم کرد که میزان مالیات خالصه انتقالی را هم معین میکنم والا اگر بخوایم بانتظار این بنشینیم که يك لایحه طرح کنیم برای خالصات انتقالی بیاید بمجلس و قانون میزری بدون تعیین تکلیف خالصات انتقالی بگذرد این يك چیز فویست بعقیده من .
رئیس - آقای عدل - (اجازه)
 عدل - اولاً راجع بموضوعی که آقای شیروانی فرمودند فرمایشاتشان صحیح است اما غیر از این قانون که هنوز يك قانونی نوشته شد است که بشود برای آن مدت فائل شد .
 اول باید يك لایحه بیاید بمجلس آنوقت برای آن مدت فائل شد والا بيك چیز مهوم و بطور می شود مدت فائل شد .
 اما عرض بنده راجع باین ماده این است که میخواستم خاطر آقایان محترم را متذکر کنم که دولت پیشنهادیکه آورده است بمجلس در این ماده پنج سال فائل شده و کمیسیون سابق پنج سال را ده سال کرده است . و راپرت هم داده است و دولت در این باب تردید داشت .
 بالاخره در اطراف این مسئله در کمیسیون مذاکرات مفضل شد و جلب نظر دولت هم شد و هفت سال قرار داده شد .
 این است که بنده يك پیشنهادی تقسیم کردم که اگر قبول فرمایند همان هفت سال باشد .
 حاج میرزا عبدالوهاب - بنده توضیح دارم نسبت بکمیسیون سابق .
رئیس - (خطاب بآقای عدل) چنانچه موافق بودید و بتوان موافق قیام کردید مذاکرات کافی است ؟
 جمعی از نمایندگان - کائنات .
رئیس - پیشنهادی از طرف آقای اسدی و شریعت زاده شده است و همچنین

از طرف آقای عدل، هر دو يك موضوع است قرائت میشود .
 (بعضیون ذیل قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم در ماده یازدهم عبارت (ناده سال) حذف و نوشته شود : تا هفت سال .
 معمدولی - شریعت زاده ماده یازدهم را با این طریق پیشنهاد میکنم؛ مالیاتیکه مطابق این قانون تشخيص داده میشود تا هفت سال مدرک قانونی مالیاتی خواهد بود .
 یوسف عدل .
 رئیس - مقصود از هر دو پیشنهاد این است که ده سال هفت سال شود .
آقای شریعت زاده - (اجازه)
 شریعت زاده - بنده تصور میکنم این پیشنهاد مخالفی نداشته باشد زیرا يك پیشنهاد عادلانه است و تصور می رود در آنوقت در ملاصحت نا حدی امنیت وجود داشته باشد و چنانچه مردم قوای خودشان را بکار بندند از آنجا نتوانند در این مدت استفاده بکنند و در نتیجه املاک خود را آباد کنند .
 از آن طرف احتیاجات مملکت اقتضاء دارد که يك اصلاحاتی شود در این صورت تصور می رود که احتیاج به مساعدت زیادی نباشد زیرا در نتیجه اصلاحات آنطوریکه باید و شاید جامعه بتواند استفاده بکنند .
 تصور میکنم مدت هفت سال کافی باشد .
رئیس - آقای رضوی - (اجازه)
 رضوی - اولاً اینکه آقای عدل فرمودند که در کمیسیون سابق نظریه ده سال بوده و کمیسیون بعد بانظریه دولت موافقت کرده و هفت سال شده کمیسیون سابق هم نظریه دولت راجع کرده بوده و بعد نمایانم چه شد که برای دولت تردید پیدا شد و آقایانی که بودند میدانند بملاوه دوسه سان طول می کشد تا میزری بشود و اگر پنج سال باشد دوسه سال دیگر بیشتر باقی نمی ماند بعد که دوسال گذشت باز نمی شود بیابند و تجدید میزری بکنند این خودش اسباب خرابی املاک می شود و هیچکس دلس گرم نیست که املاک را آباد کند بنابراین بنده موافق با همان نظر هستم که باید ده سال باشد .
 مغیر - بنده عضو کمیسیون قدیم بودم لکن برای سرعت عمل کمیسیون جدید عین راپرت کمیسیون سابق را که الان در مجلس مطرح است قبول کرده نماینده دولت که در کمیسیون حاضر میشد ده سال را زائده دانست و اظهار میداشت که ما پیشنهاد کرده بودیم پنج سال باشد چون املاک در فاصله ده سال ممکن است

بعضی زیاد آباد شود و بعضی زیاد خراب می شود آن هائی که خراب می شود وقتی که عایداتش بنصف رسیده حق دارنده بوجوب ماده دیگر تجدید میزری بخواهند و آن هائیکه آباد می شود ماحق نداریم میزری بکنیم .
 پس مدت را خوبست تعقیف بدهم بنابراین توافقی نظر حاصل شد که هفت سال باشد و باین جهت بنده پیشنهاد آقای عدل را قبول میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی (شرح ذیل خوانده شد)
 این بنده پیشنهاد میکنم که ماده یازدهم را با این طریق تنظیم شود :
 ماده ۱۵ - مالیاتی که مطابق مواد این قانون تشخيص داده می شود در حدود حیوانات تا پنج سال و در املاک تا هفت سال مدرک قانونی مالیاتی خواهد بود .
 این شامل حیوانات و املاک هر دو خواهد بود و هیچ فرق ندارد و اگر هم بخوایند فرق بین املاک و حیوانات بگذارند که حیوان پنج سال و املاک هفت سال باشد این يك تولید زحمتی میکند برای میزری و مابیل نداریم که هر سال مأمور دولت برود برای میزری و در قراه رقبیات گردش کند .
 تهرانی در صورتیکه حذف کرده باشند بنده قبول می کنم .
رئیس - مسترد می کنید؟
 تهرانی - بلی .
رئیس - آقای بیات پیشنهادی کرده اند قرائت میشود .
(شرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد آقای بیات - بنده پیشنهاد میکنم که پیشنهاد سابق کمیسیون قوانین مالیه رأی گرفته شود . که ده سال مدت باشد .
 بیات - کلیتاً در عملیاتی که در ایران میشود بواسطه اینکه وسایط کم است امتحان شده است که هر چه مدت را کم قرار بدهیم اسباب زحمت میشود هم برای دولت و هم برای مردم .
 حالا ما اینجا داریم قانون میزری می گذرانیم ملاحظه فرمائید چند وقت است که در زحمت هستیم تا این قانون را نوشته ایم .
 دوسال سه سال است این قانون مطرح است و بعد از این همه مذاکرات و زحمات بالاخره باین نتیجه رسیده ایم که مشغول نوشتن این قانون هستیم حالا میآیند در این ماده مدت را کم میکنند و آنوقت يك زحمتی برای دولت درست میشود و هر روز باید باز تجدید میزری شود و برای مردم هم يك زحمت بزرگی فراهم میشود .
 آن اظهاری را که آقای حاج میرزا فرمودند و گفتند در ده سال ممکن است يك تفاوت هائی در املاک پیدا شود بعقیده بنده اگر مدتش يك دوری بیشتر باشد هم برای دولت بهتر است و هم برای مردم زیرا آن اشخاصی که در صد آبادی املاک بر میآیند و ائدانی میکنند گمان میکنم اگر مدت بیشتر باشد بیشتر باینکار تمایل پیدا بکنند و بیشتر اسباب آبادی بشود و از طرفی هم نه برای دولت و نه برای مردم زحمتش بان

زیادی خواهد بود .
 باین جهت بنده هفت سال را مضر میدانم ده سال هم شاید برای این مملکت کم باشد ولی چون ابتداء پیشنهاد شده بود بنده قبول کردم و پیشنهاد کرده ام ده سال رأی گرفته شود .
 مغیر - در این مسئله آقایان پیشنهاد کننده که در کمیسیون حاضر نشدند فقط آقای مدرس و آقای وکیل و یکی دو نفر دیگر تشریف آوردند و بادوات خیلی صحبت کردیم .
 دولت اظهار می کند طرز میزری آنطوریکه ما پیش یبئی کرده ایم زحمت زیادی ندارد .
 بطریق اظهار نامه اوراق طرح و نشر میشود که در مقابل ستونهای که معلوم شده اطلاعاتی بنویسند و مالیات را بان طرز عمل می کنیم منتهی اگر اختلافی پیدا شد آنوقت بحکمیت و اینها رجوع میشود و بر حسب يك ماده در ظرف ده سال اگر ملكی عایداتش نصف شد حق تقاضای تجدید میزری دارد .
 ولی اگر عایداتش اضافه شد هیچ پیش یبئی نشده و اگر این ماده را ده سال قرار بدهیم دولت لابد يك ماده خواهد آورد که اگر عایدات اضافه شد و در مقابل شد حق میزری خواهد داشت و باز اسباب زحمت برای مردم خواهد شد و همان هفت سال که توافق نظر حاصل شده گمان میکنم بد نیست خوب است نماینده محترم هم این پیشنهاد را مسترد فرمائید که قانون زودتر بگذرد .
رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای بیات عین ماده یازدهم سابق است آقایانی که موافقت قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . دو تبصره رسیده است که هر دو قریباً انضمامی است به عرض آقایان میرسد .
(شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده ۱۵ ضمیمه شود .
 تبصره - مدرک میزری سه ساله دانی و عالی متوسط اژده سال اخیر خواهد بود کازرونی
 تبصره ذیل را بماده یازدهم پیشنهاد می کنم .
 مالیاتی که مطابق این قانون تعیین شده حاصل متوسط عواید سه ساله عالی ودانی و متوسط است
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 مغیر - اجازه فرمائید وقتی این ماده برگشت به کمیسیون این پیشنهاد ها هم باید به کمیسیون برود و دیگر مذاکره ندارد .

رئیس - خود دوم ماده یازدهم بود رأی قطعی گرفته شد .
 مغیر - پیشنهاد قابل توجه شد .
رئیس - عرض کردم ماده یازدهم عین پیشنهاد ایشان است .
 خود دوم است نسبت باین ماده رأی قطعی است . آقای کازرونی فرمائید کازرونی - پیشنهاد بماده مساوی است با پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و متصو دمان یکی است و گمان میکنم که اعضا کمیسیون هم در این مسئله موافق باشند و البته مخالفی نیست .
 بواسطه اینکه مدرک مالیات همان عایدات است سه سال عالی ودانی متوسط اژده سال تا پنج سال یا هر چه معین کنند باید باشد .
 چون در این قانون ابتدا ذکر نشده بنده گمان میکنم جایش در همین جا باشد که میگوید مالیاتی که تشخيص داده می شود برای مدت ده سال است در این جا باید مدرک مالیات هم تعیین شود و اگر نشود آنوقت از چه قرار مالیات میگیرند؟ و بطور میزری میکنند؟
 آنوقت اظهار نامه که میدهند راجع باین خرمن حاضر و جنب حاضر است ؟ اگر اینطور باشد که باید هر سال بروند وزن بکنند ؟ پس آن مجازات و محاکمه و اینها برای چه چیز است؟
 البته مقصود آقایان همین است که مآخذ عایدات سال عالی و دانی و متوسط باشد و جایش همین جا است و اگر آقایان قبول فرمایند گمان میکنم بجای باشد .
رئیس - آقای مغیر چه میفرمائید ؟
 مغیر - تبصره را مرحمت بکنید اگر صحیح باشد قبول می کنم . با روحش موافقم .
 رضوی - بنده مخالفم
رئیس - فرمائید
 رضوی - این پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای کازرونی هر دو خیلی خوب پیشنهادی است و جایش هم اینجا است و تقصی دارد یعنی خودش با مزاج است برای اینکه نوشته است عالی ودانی و متوسط و هر روز باید مؤدیان مالیات با مأمورین مالیه در زد و خورد باشند و بگوید عایش فلان سال بوده این یکی می گوید دانی فلان سال بوده است و اسباب زحمت میشود .
 بنا بر این عقیده بنده اینست که باید اینطور اصلاح شود که سه سال اخیر یعنی قبل از آنسالی که میروند میزری می کنند والا اگر بنا باشد سه سال عالی ودانی و متوسط باشد يك هرج و مرجی خواهد شد هر روز اسباب زحمت برای مؤدیان و دولت خواهد بود .
رئیس - آقای مغیر قبول کردند مجدداً قرائت میشود و رأی میگیریم

اتفاقاً این سنوات بسیار بد ویر آفت بوده است و اگر بخواهند این سه سال را مدرک قرار بدهند بکنی میزان عایدات اطراف تهران و خیلی جاهای دیگر که گرفتار آفت بوده اند عایدات آنها یک برده یک بر بیست نکس پیدا خواهد کرد این بود که ناپایند دولت این را قبول نمی کرد و بنده تعجب میکنم از اینکه آقای مغیر چطور اینجا فی الفور قبول کردند؟

بنده خودم عضو کمیسیون هستم فقط در یک جلسه اخیر نبودم نه اینست که این مذاکراتیکه در مجلس جریان دارد که بیستون جریان نداشت

بنابر این البته اگر سه سال مالی ودانی و متوسط در پنج سال اخیر را در نظر داشته باشند گمان میکنم هم نظر آقایان تکمیل شده باشد هم اشکالی ندارد گمان میکنم که اگر از پنج سال هم بالا برویم و ده سال قرارداد هم از برای ملاکین در اکثر نقاط یک زحمت و اشکالی تقریباً تولید می کند که نمی توانند از عهد بر آیند

زیرا همه اشخاص که دفاتر منظمی ندارند و نمیدانند که در ظرف ده سال اخیر معصوم و عایداتشان حتماً چقدر بوده است و یک اختلافاتی با مالیه پیدا میشود که اسباب زحمت و کشمکش میشود اینست که بنده عقیده ام اینست که همان سه سال از پنج سال اخیر هم صلاح مردم است و هم دولت نظر موافقت دارد

رئیس- این دو پیشنهاد بطور مطلق است و در وقت عدل تصور میکنم تولید اشکال بشود یک پیشنهاد دیگری هم در این زمینه رسیده است که یک قدری واضعتر است بعرض میرسد شاید قبول شود

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد میکنم تبصره ذیل اضافه شود:

تبصره- مدرک معبزی عایدات متوسط سه سال قبل از سه معبزی خواهد بود شریعت زاده - معتمد ولی

رئیس- گویا مقصود آقایان هم از پیشنهاد همین است

(گفته شد - بلی)

سلطانی - اجازه بفرمائید یک توضیحی بعرض کنم

رئیس- آقای مغیر

مغیر- در کمیسیون یک ماده برای توضیح عایدات تنظیم شده که وقتی این قانون تمام شد بمنوان ماده الحاقی مجلس بیاید که حالا بعرض آقایان میرسانم مقصود از عایدات مذکور در ماده اول ثلث عایدات تعبیتی بدون ائت سه سال عالی ودانی و متوسط است در ظرف هفت سال اخیر

این نظری است که کمیسیون گرفته

ولی اگر بخواهیم آن سالهای اخیر را مآخذ قرارداد بدهیم شاید آن سنوات اول باشد آن را نمی شود مآخذ قرارداد

پس اگر سه سال قبل از معبزی باشد بدون افت که بیستون نظر موافقت دارد ولی اگر سه سال مطلق باشد که بیستون موافقت نیست حالا اگر آقایان پیشنهاد خودشان را اصلاح بفرمایند کمیسیون قبول میکند و الا قبول نمیکند

رئیس- رأی میگیریم بقابل توجه بودن هر سه پیشنهاد قرائت میشود (پیشنهاد آقایان میرزائی و سلطانی و شریعت زاده

شرح سابق خوانده شد)

شریعت زاده - بنده پیشنهاد رامشرد می دارم

رئیس- پیشنهاد اخیر مسترد شد رأی می گیریم پیشنهاد آقای میرزائی و آقای سلطانی که هر دو یکی است

سلطانی- اگر بنده توضیح بعرض کنم بعد مسترد می کنم

رئیس- اگر توضیح بدهید بعد مسترد میکنید رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای میرزائی آقایان توجه میدانند قیام فرمایند

(چند نفری برخاستند)

رئیس- قابل توجه نشد (خطاب به آقای سلطانی) بفرمائید توضیح بدهید سلطانی - مقصود اینست که اگر اظهاراتی که در اظهارنامه نوشته می شود مخالفت باشد جریمه دارد غرض بنده اینست که در آن اظهارنامه که نوشته شده است عایدات این ملک چقدر است معین می شود که عایدات چه وقت ملک است

حالا این مسئله در هر کجا تأمین می شود بشود مقصود ما همین است که این عایداتی که در اظهارنامه قید می شود معلوم باشد که در کدام سال عایدات را منظور میکنند فقط در سال معبزی نباشد

حالا اگر پنج سال را موافقت میکنند بنده هم موافقت میکنم که سه سال از پنج سال اخیر قبل از معبزی باشد

رئیس - پیشنهاد راجع به پنج سال که هنوز قرائت نشده است خوب حالا رأی میگیریم

سلطانی- مسترد میکنم

رئیس- پیشنهاد آقای مدرس

(شرح ذیل خوانده شد)

پیشنهاد می کنم تبصره نوشته شود: مدرک معبزی ثلث عایدی سه سال از معبزی است معین محل که یکی عالی و یکی متوسط و یکی دانی باشد خواهد بود

مدرس - مسئله سر این است که مالک چطور اظهارنامه میدهد و معبزی چه چیز را مدرک قرار میدهد توضیح میدهم که

آقایان ملتفت شوند مالک باید بتوسعه که این ملک من سالی که خوب می شود تقبیه ده تخم می دهد و سال متوسط تخمی هفت تخم می دهد و سال دانبش تخمی سه تخم میدهد یا مثلاً سالی که حاصلش خیلی خوب می شود هزار تومان عایدی دارد و سال متوسط پانصد تومان و سال دانی صد تومان عایدی می دهد این سه تا را در اظهارنامه بر سه بیل حقیقت میبندد

میز هم یا قبل از تعقیب و یا بعد از آن تعقیب اینها را تعقیب میکنند

اگر دید مطابق واقع است بسیار خوب اما اگر اختلاف پیدا کردند که رجوع به حکمیت میکنند بالاخره رأی که داده میشود باید برای این باشد که این ملک سالی که سال عایش باشد و حاصلش خوب شود چقدر است و سالی که بست باشد چقدر است

این سه تا را روی هم می اندازند و ثلث میکنند آنوقت آن ثلث میزان عایدی است و الا نه سال اخیر را میشود مآخذ قرارداد داد و نه سال از پنج سال اخیر و نه از ده سال را برای اینکه ورامین یکدفعه پنج سال آفت می بیند

فارس یکدفعه میشود که هفت سال ملخ خوارگی پیدا میکنند ش زده میشود اینها را هیچ میزان نباید گرفت بسا میشود که ده سال اخیر هیچ آفت ندارد اما خوب و بد زراعت هر جایی معین است که استعداد و قابلیت این ملک در سالهای خوب چقدر است در سال متوسط چقدر و در سال دانی چقدر لذا این پیشنهاد بنده مقید بسال نیست که سه سال آخر یا سه سال از پنج سال با هفت سال آخر محسوب شود برای اینکه هیچکدامش را نمی شود میزان قرارداد با عقیده بنده این ترتیب سهل است و تعقیبش هم آنقدرها مشکل نیست

رئیس- آقای رضوی (اجازه)

رضوی- مالیات استعدادی که دولت نمی خواهد بگیرد این پیشنهاد آقای مدرس مالیات استعدادی ملک را معین می کنند و عقیده بنده عملی نخواهد بود باید سال معین باشد والا همانطور که فرمودند ممکن است در فارس هفت سال ملخ خوارگی شود و یکسال که خوب شد باید مالیات هم را بدهد این عملی نیست

مسئله آفت هم در ماده دیگر گفته شده است و محتاج باینکه در اینجا ذکر بشود نیست

بعلاوه ممکن است مأمور دولت بیاورد و بگوید که من تعقیب کردم ده سال قبل اینجا تخمی چهار تخم میداده است

این است که اگر بدون مدت باشد اسباب زحمت میشود و نمیشود پیشنهادها را قبول کرد

همان وزارت مالیه - پیشنهاد آقای مدرس از یک نظر خیلی خوب است و اظهارات آقای رضوی هم از جهت مدرک تقبیه ده تخم می دهد و سال متوسط تخمی هفت تخم می دهد و سال دانبش تخمی سه تخم میدهد یا مثلاً سالی که حاصلش خیلی خوب می شود هزار تومان عایدی دارد و سال متوسط پانصد تومان و سال دانی صد تومان عایدی می دهد این سه تا را در اظهارنامه بر سه بیل حقیقت میبندد

میز هم یا قبل از تعقیب و یا بعد از آن تعقیب اینها را تعقیب میکنند

اگر دید مطابق واقع است بسیار خوب اما اگر اختلاف پیدا کردند که رجوع به حکمیت میکنند بالاخره رأی که داده میشود باید برای این باشد که این ملک سالی که سال عایش باشد و حاصلش خوب شود چقدر است و سالی که بست باشد چقدر است

این سه تا را روی هم می اندازند و ثلث میکنند آنوقت آن ثلث میزان عایدی است و الا نه سال اخیر را میشود مآخذ قرارداد داد و نه سال از پنج سال اخیر و نه از ده سال را برای اینکه ورامین یکدفعه پنج سال آفت می بیند

فارس یکدفعه میشود که هفت سال ملخ خوارگی پیدا میکنند ش زده میشود اینها را هیچ میزان نباید گرفت بسا میشود که ده سال اخیر هیچ آفت ندارد اما خوب و بد زراعت هر جایی معین است که استعداد و قابلیت این ملک در سالهای خوب چقدر است در سال متوسط چقدر و در سال دانی چقدر لذا این پیشنهاد بنده مقید بسال نیست که سه سال آخر یا سه سال از پنج سال با هفت سال آخر محسوب شود برای اینکه هیچکدامش را نمی شود میزان قرارداد با عقیده بنده این ترتیب سهل است و تعقیبش هم آنقدرها مشکل نیست

رئیس- رأی میگیریم به پیشنهاد آقای مدرس

مدرس- پیشنهاد میکنم کلمه عملی هم اضافه شود

رئیس- کلمه عملی در کجا اضافه شود؟

مدرس- حالا که آقایان اینطور میفرمایند از هفت سال اخیر اضافه شود

رئیس- اینطور که نمیشود

مدرس- چرا میشود

رئیس- پیشنهاد آقای مدرس بنا اضافه هفت سال اخیر مجدداً قرائت میشود

(شرح ذیل خوانده شد)

مدرک معبزی ثلث عایدی سه سال از معبزی است معین محل که یکی عالی و یکی متوسط و یکی دانی باشد خواهد بود

رئیس- عقیده مغیر کمیسیون چیست؟

مغیر- اگر عبارت بدون آفت را

هم داشته باشد قبول میکنم

رئیس- رأی میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای مدرس آقایان که موافقت قیام فرمایند

(اعلام قیام نمودند)

رئیس- قابل توجه شد

پیشنهاد

تنفس شده است

یک ربع تنفس داده میشود

(در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل ویس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید)

رئیس- چهارده فقره پیشنهاد دیگر از آقایان رسیده است بطریق تبصره اضافی بماده ۱۰ چون تبصره پیشنهادی آقای مدرس قابل توجه شد و کمیسیون ارجاع میشود

آقایان اگر موافقت داشته باشند برای اطلاع کمیسیون این پیشنهادها هم به کمیسیون ارجاع شود (بعضی از نمایندگان صحیح است) راجع بنمایندگی آقای علیخان اعظمی که آقای عراقی مخالف بودند کتباً شرحی مرقوم فرموده اند و مخالفت خودشان را مسترد داشتند

مخالفی نیست که جزو دستور شود و رأی میگیریم

جمعی از نمایندگان - خبر رأی میگیریم

رئیس- رأی میگیریم بنمایندگی آقای اعظمی از حوزه انتخابیه کرمانشاه آقایان تبصره تصویب می کنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند)

رئیس- تصویب شد

ماده ۱۶

شرح ماده ۱۰ این قانون وزارت مالیه قادر باشد وسایل معبزی علمی را فراهم نماید مجاز خواهد بود عمل معبزی علمی را شروع و نتیجه حاصله را بر طبق مقررات این قانون مجری دارد

رئیس- آقای یاسائی (اجازه)

یاسائی - در قسمت اول این ماده که نوشته شده است (اگر دولت بتواند وسایل معبزی علمی را فراهم کند) بعقیده بنده جزء تشریفات این قانون است زیرا معبزی علمی مستلزم یک مخارجی است که باین آسانی ما نمی توانیم آن مخارج را تصویب کنیم و وضعیات عایدات مملکت اجازه نمی دهد که معبزی علمی بشود

بعلاوه در آخر این ماده نوشته است و نتیجه حاصله را بر طبق مقررات این قانون مجری دارد این یک چیز متناقضی بنظر من می آید زیرا اگر معبزی علمی در مملکت بشود دیگر نتیجه حاصله مطابق اظهارنامه و این ترتیبی است که در این قانون مقرر است نخواهد بود در اینصورت بنده مستقدم که این ماده حذف شود

رئیس- آقای آقا - بدیع مقرب (اجازه)

آقای بدیع مقرب - مخالفم

رئیس- آقای وکیل (اجازه)

میرزا محمد خان وکیل - بنده هم مخالفم

رئیس- آقای کازرونی

کازرونی- مخالفم

رئیس- آقای اسماعیل خان نقضانی

قشقای - مخالفم

رئیس - آقای شیروانی (حاضر نبودند)

رئیس- آقای طهرانی

طهرانی- مخالفم

رئیس- آقای بیات

بیات- مخالفم

رئیس- آقای محمدولی میرزا محمدعلی میرزا - بنده پیشنهاد داده ام

رئیس- آقای شریعت زاده

شریعت زاده - بنده موافقم این یک ماده است که بوزارت مالیه اجازه میدهد که اگر وسایل اجرای معبزی علمی را فراهم کرد بموقع اجرا بگذارد و تصور نمیکنم محتاج به دلیل باشد

قانونی که تعلق ما وضع می کنیم فقط برای این است که اخذ مالیات بشکل واحدی بعمل آید و مشکلائی که در وصول مالیات هست از بین برود و موافقت قطعی دربر قرار مالیات آنوقت حاصل خواهد شد که موافق اصول علمی معبزی کنند

بنابر این ماده خیلی خوب است و هر وقت دولت ایران وسایل اجرای معبزی علمی را داشته باشد مساعدت مملکت در اینست که اینکار را بکنند چون ممکن است در موقع اجرای این قانون وسائل مهیا شود بهتر اینست که از حالا این را بگوئیم

اما اینکه آقای یاسائی فرمودند عبارت (بر طبق این قانون) متناقض است مقصود بر طبق کلیه مقرراتی که در این قانون نوشته است نیست

مقصود کیفیت وصول است یعنی وقتی که معبزی علمی شروع شد بر طبق این قانون بایستی پول گرفت و این مواد بکنکالی است که برای مالیات معین میشود که آن تکالیف باید بموقع اجرا گذارده شود

جمعی از نمایندگان - ماده کرات کافی است

رئیس- سه فقره پیشنهاد رسیده است دائر بحذف ماده ۱۶ قرائت میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

پیشنهاد می کنم که ماده ۱۶ قانون معبزی حذف شود

محمد ولی اسدی

پیشنهاد آقای عدل - پیشنهاد می کنم ماده ۱۶ بکلی حذف شود

پیشنهاد آقای کازرونی - بنده پیشنهاد می کنم ماده ۱۶ حذف شود

رئیس - عقیده مغیر کمیسیون چیست مغیر - کمیسیون با حذفش موافقت است چون کمیسیون قبل این رأی را داده و کمیسیون جدید مطالعات آنرا غیر لازم دانسته است

رئیس - بنا بر این رأی گرفتن مورد ندارد حذف می شود

ماده ۱۷ (بشرح آتی خوانده شد)

ماده ۱۷ در موقع آفت بملک یا محصول یا حیوان معبزی که در نتیجه آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگیرد و مقدار نصف یا بیش از نصف میزان مشخصه دو چار خسارت بشود وزارت مالیه می تواند به نسبت خسارت وارده از مالیات تخفیف دهد

رئیس - آقای میرزا محمد خان وکیل (اجازه)

میرزا محمد خان وکیل - این ماده یکی از مواد مهم این قانون است مخصوصاً در مملکت ما پیش آمد اینطور شده است که اغلب اختلافات واقع می شود در اینجا میزانی که وزارت مالیه گرفته است و نفع معبزی چه گناهی برای آن یک نفر است که اگر کمی صد خروار جنس داشت و پنجاه خروارش نبود مالیاتش را بنده می دهم

یک نفر از نمایندگان - تسلسل پیدا می شود

وکیل - صحیح است بنده هم تصدیق میکنم ولی انصاف و عدل این بود که این میزان را ثلث بگیرند حالا بنده در قسمت محصول ملک چندان نگران نیستم زیرا فرما بنده که یک پارچه ملک دارم اسدال محصولش یا بکلی از میان بیرون یا نصفش از میان می رود و مالیاتش را هم تمام میدهد باز اصلش از برای بنده باقی بود و ممکن است سال دیگر از آن منتفع بشوم - این یک اصل معبزی است

ولی در قسمت حیوان این میزان خیلی برخلاف عدل است زیرا ملاحظه بفرمائید اگر یک رعیتی صد تا گوسفند داشت و در سال ده تومان مالیات میداد چهل و نه تالی آن تلف شد باید سالی پنج تومان ضرر این چیزی را که اصلاً وجود ندارد بدهد و در آتی هم غیر قابل جبران است

ولی ملک این طور نیست و این کمال

بی انصافی است که ما یک نفر در معبزی بگوئیم که شما صد گوسفند دارید سالی ده تومان را بدهید و در وسط سال هم اگر چهل و نه تالی آن تلف شد شما باید تا پنج سال یا هفت سال دیگر که دوره معبزی است سالی ده تومان را بدهید برای یک چیزی که اصلاً وجود ندارد

حالا اگر ملک بود ممکن بود بگوئیم شاید سال دیگر محصولش خوب بشود و جبران کند ولی در قسمت حیوان بنده مستقدم که میزان و مآخذ را ثلث قرار بدهند که انصاف و عدالت در این ماده منظور شده باشد و بیشتر از این چیزی عرض نمیکنم و پیشنهاد می دارم خصوص تقدیم کردم شاید که نماینده محترم دولت و مغیر کمیسیون قبول بفرمایند

حالا پیشنهاد راجع به معبزی در این موقع بروز آفت بملک یا محصول یا حیوان که در نتیجه آن میزان عایدی که مالیات بر آن تعلق میگیرد و مقدار نصف یا بیش از نصف میزان مشخصه در ملک و محصول و معادل ثلث یا بیش از ثلث از میزان مشخصه در حیوان دو چار خسارت بشود وزارت مالیه میتواند به نسبت خسارت وارده مالیات بگیرد

رئیس - آقای آقا بدیع مقرب (اجازه)

آقا بدیع مقرب - بنده یک مشاغل را بعرض مجلس میرسانم که قبلاً مجلس نسبت به قانون معبزی تغییر کرده ما ما مکرر در و فریاد نداشتم که قانون معبزی را بهتر ترتیب بدهیم هست بدست دولت بدهیم که این خرابیها از بین برود

ولی این قبانه از نظر زمان رفت و افتادیم در کشمکش و بی دردی اشکال بدهیم از دوره اول و همینطور دوره فترت ماسی - گفتیم که میشود که مجلس افتتاح شود و ما قانون معبزی را تصویب کنیم ولی حالا افتاده ایم در کشمکشهایی که بنده متوحش هستم قانون معبزی اصلاً از بین برود هیچ عملی نشود

این بود که خواستم عرض کنم خوب است نظر آقایان نمایندگان متوجه بگذرانند قانون باشد نه اینکه همایش متوجه اشکال نبودن باشد

در این قانون یک ماده دارد که بعد از گذراندن این قانون اگر خطا بخواهد استخوان پولی و اخذ پولی و مالیاتهای که از زمان چنگیز تا بحال معمول بوده است از بین برود فقط بنده یک پیشنهادی بنقام ریاست تقدیم کردم که در آنجا که میشود وزارت مالیه می تواند نوشته شود و وزارت مالیه باید این کار را بکنند

اگرچه بنده عقیده ام اینست که کلمه میتواند در قانون معنای الزام و وجوب را دارد ولی مهذا ضرر ندارد کلمه (میتواند) به باید تبدیل شود که واضح تر

باشد و بالاخره آقایان را توجه می‌دهم بگذرانند این قانون که یک چیزی بدست وزارت مالیه بدیم و از این خرابیها راحت شویم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است
دست غیب - کافی نیست اجازه می - فرماید
رئیس - بازنده نفر قبل از شما اجازه خواسته اند
پیشنهاد ها قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
پیشنهاد میکنم در ماده ۱۷ بجای نصف ثلث نوشته شود عوض اینکه نوشته شده است وزارت مالیه میتواند تخفیف دهد نوشته شود باید تخفیف دهد مشقائی
رئیس راجع بتبدیل کلمه میتواند به باید چهار پنج مقرر پیشنهاد دیگر هم رسیده است آقای فشقائی (اجازه)
فشقائی - آقای میرزا محمدخان توضیحانی دادند آقای آقا سید یعقوب هم یک فرمایشاتی کردند ولی آقای آقا سید یعقوب کرک بکله شان زنده است
مثلا یک نفری که شب صد گرفته دارد صبح که برمیخیزد شصت تای آنرا کرک برده است آنوقت این بیچاره نمیتواند تا هفت سال که در درم میبزی است مالیات آن شصت تائی که از بین رفته است بدهد همینطور کسی که ملک دارد ممکنست یک آفتی بمحصول برسد باینکه خرابی متوجه قناتش بشود که باید ازش نصف بشود و نتواند ملک را آباد کند آنوقت هم خسارت متوجه مالک شده است هم متوجه دولت
اینست که بنده پیشنهاد کردم ثلث باشد که هم دولت به مالیاتش برسد و هم مودی بتواند جای خسارتش را بر کند دیگر بسته بنظر آقایان است
مخبر - اگر یک ترتیبی میشد که این مالیاتها اصلا نبوده و یک مالیات دیگری بجایش معین میشد البته بهتر بود ولی ما با وضعیت فعلی که خود آقای فشقائی بهتر از بنده اطلاع دارند املاکی که ۵۰ سال پیش جزء جمعی برایش معین شده همان جزء جمع را مطالبه می کنند
در کمیسیون بانمایند دولت توافق نظر حاصل شد که اگر عایدات نصف آزل پیدا کرد و مؤدی مالیات می تواند تقاضای تجدید میبزی کند
ما باید قانون را یک شکلی بنویسیم که دولت هم بتواند اجرا کند بنده که مجری این قانون نیستم که قبول کنم

آقای فشقائی هم که مجری نیستند دولت هم که قبول نمی کند از این جهت کمیسیون هم موافق نیست و چون علاقه بگذشتن این قانون داریم استدعا میکنم که آقای پیشنهادشرا مسترد بفرمایند اما کلمه باید را قبول میکنم که بجای میتواند نوشته شود
رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن قسمت اول پیشنهاد آقای فشقائی آقایانی که موافقتند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)
رئیس قابل توجه شد این مادهم برمی گردد بکمیسیون پیشنهاد های واسله هم برای اطلاع کمیسیون یکسورن میبرد ماده بیچدهم (شرح ذیل قرائت شد)
ماده ۱۸ - بدون اجازه صریح وزارت مالیه احدی نمیتواند وصول مالیات اقدام نماید
رئیس - آقای میرزا محمدخان وکیل میرزا محمدخان وکیل اصلا این ماده زیادتی است زیرا بدون اجازه دولت کسی می تواند مالیات را وصول کند این توضیح واضحات است و بقیه بنده از روی ندارد
رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)
آقا سید یعقوب - آقایان بگفتند می وارد بشوند در محوطه ایران تصور نکنند که ما در پاریس واقع شده ایم
اگر وارد شوند در ولایات و جاهای دیگر آنوقت میفهمند این مسئله نهایت لزوم را دارد
بنده کاملاً باین ماده موافقم و راجعش میدانم البته غیر از وزارت مالیه هیچکس حق ندارد وصول مالیاتی بکند ولی اگر آقای وکیل بگفتند توجه بفرمایند ملتفت می شوند که ما با داریم بیکه چو ماده را در اینجا وضع کنیم
رئیس - آقای عدل و شاهزاده محمد ولی میرزا پیشنهاد حذف کرده اند آقای عدل (اجازه)
عدل - اینجلازم است بگرفیم شهباز آقای آقا سید یعقوب بشود اینکه ما پیشنهاد کردیم که این ماده باید حذف شوده اینکه ما معتمدین قریز وزارت مالیه کسی دیگر مالیات بگیرد غیر بلکه معتمدین که این قانون معضرت تر واقع تر باشد و زودتر از مجلس بگذرد والا این مسئله یک مشله بدیهی است
بعلاوه در آخر قانون هم یک ماده گذارده می شود که وزارت مالیه مجری

این قانون است و وقتی این ماده در این قانون قید شد کلمات میکند معلوم است مالیات گرفتن بعهده وزارت مالیه است و بالاخره بنده معتمدین که این ماده زیادتی است و بایستی حذف شود
معاون وزارت مالیه - صرف نظر از آنچه که الزام میکند یک مجلس باین مملکتی را برای وضع یک قانونی با اتفاق میانند که ذکر آن کید بک مطلبی در یک قانونی اگر ضروری نداشته باشد به نظر می باشد نافع است
بنده عرض میکنم اگر اصلاً آقای عدل این پیشنهاد را تغییر ندهد در این ماده سراجی خودش بود آبا زود تر نیک گذشت ؟ و احتمالاً عرض می کنم بهتر هم این است که مطلب پوشیده نماند یک اصول ابواب جمعی در این مملکت معمول بوده است
بنده نظر بچیزی ندارم و اصل مالیات بطور مطلق و مسلم و ادا کننده است بعهده مأمورین مالیه ولی یک طبقه از سوابق ایام معمول بوده است که برخلاف اصل وصول مالیات بوده است و این مسئله از چندین سال با اینطرف که امور مالیه بطرف انتظام رفته است بگفتند از شکم شده است اما هنوز یک اثر خیلی بدظاهری باقی مانده است و بهتر این است که این مسئله محدود شود که نسبت به هر جزء جزء مالیات مملکت مأمورین مالیه دولت نظار داشته باشند
عدل - بنده پیشنهاد خود را مسترد کردم
رئیس - شاهزاده محمد ولی میرزا (اجازه)
محمد ولی میرزا - با اینکه آقای معاون وزارت مالیه در کمیسیون تشریف داشتند و در اطراف معین ماده و چند فقره مسواد دیگری بود که یک مذاکرات مفصلی شد
قانون نواقل را مراجعه کنید مأمور اجرائی چون این مسئله از واضحات و مسلمات است در یک مملکت قانونی و مشروطه هیچکس حق ندارد اقدامی در وصول یک مالیاتی بکند مگر اینکه قانون اجازه بدهد
اگر بنا باشد بطوری که آقای معاون وزارت مالیه فرمودند باید این اصل را همیشه در نظر گرفت
البته آن اصل ابوالجعمی که اظهار کردند باید از بین برود و از بین هم رفته است ولیکن جانشین آن ابوالجعمی ما مالیاتهای است که مأمورین مالیه بقبیل خودشان در هرده و هر قله کوهی وضع میکنند و عمل می کنند بنابراین بنده لازم نمی دانم که این اصل مسلم را مادر چرا تکرار کنیم
در قانون اساسی مصرح است در قانون محاسبات عمومی و قوانین دیگر هم هست اگر بنا شود که طرف توجه نشود و

هم باقی است که بدون اجازه و تصویب مجلس احدی حق ندارد مالیات بگیرد و یا اگر این ماده در این قانون باشد جمله (بدون تصویب مجلس) را هم باید اضافه کرد برای اینکه این ماده کاملاً این مقصود را تأمین نمیکند
رئیس - بنده تصور میکنم که قسمت اول پیشنهاد ایشان نمی شود رأی گرفت برای اینکه قانون اساسی را متزلزل می کنند
معاون وزارت مالیه - مسئله مجازت
است از دو قسمت یکی وضع مالیات و یکی وصول مالیات
نسبت بوضع مالیات قانون اساسی تکلیف را معلوم کرده است و این ماده نسبت بوصول مالیات است و مقصود این است که عمالی که مأمور وصول مالیات می شوند از طرف وزارت مالیه معین می شوند
رئیس - پیشنهاد آقای آقا میرزا شهاب قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در آخر ماده ۱۸ اضافه شود
که مجازات متخلفان این ماده انفصال دائمی از خدمت دولت است
آقای میرزا شهاب - خیلی مواد در قوانین نوشته می شود ولی یک مجازاتی است که متخلف نیست و آنوقت این مواد فقط حکم زینت آن قانون را دارد و اگر تخلف از آن هم شده هیچ سانه اتفاق نمی افتد
فلان مأمور بدون تصویب وزارت مالیه و بدون اینکه در حدود قانون مصوب باشد از فلان محل فلان مبلغ را گرفت مجازات او چیست؟
هیچ این است که بنده عقیده دارم که اگر این ماده را بخواهیم در قانون بگذاریم بایستی این ضمیمه را هم داشته باشد والا اصل این ماده در قانون محاسبات عمومی مصرح است و حاجت به این ماده نیست
رئیس - آقای عدل (اجازه)
عدل - یک مختصر سوه تفاهمی آقای آقا میرزا شهاب شده است
اینجا مقصود مأمورین مالیه نیست بلکه در بعضی جاها در عشا بر و ایلات است که کسب دایان مالیات جمع میکنند یا ارباب از پیش خودش مالیات بخش میکنند
مقصود مأمورین مالیه نیست و نسبت بمجازات مأمورین مالیه یک مجازات علیحده است و آقای رئیس هم فرمودند و زاریورتش هنوز مجلس نیامده و در کمیسیون مطرح است بعد می آید - بالاخره در اینجا محتاج باین پیشنهاد نیستیم
مخبر - بانوجهی که آقایان دارند که این قانون زودتر بگذرد عرض میکنم عملی

بنده خود می دیدم که در عراق و قسمت های غرب ه هزار تومان از اصل مالیات گرفته بدون اینکه بکشاهی بهایه باشند و الان هم آن اشخاص با کمال قدرت راه می روند بدون اینکه مجازات شوند
اما اینکه آقایان می فرمایند مجازات در قانون های دیگر معین شده ام که گفتیم آنها را اعداد کنیم می گوئیم هر کس بر خلاف امر دولت اقدام ببطالیه مالیات کرد مجازاتش کنند که هر کس خود سرانه نتواند بکمالیاتی از دولت بگیرد
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - ایشان می فرمایند یک ماده مساح در دوره بترتیب که الان دو سال است که دولت اسلحه را در تمام مملکت جمع آوری کرده و دیگر اسلحه در دست کسی نیست و اینکه آقای آقا شایخ جلال می فرمایند ملوک العلویاتی هم در مملکت ایران هیچ معمول نیست بنابراین بنده با این پیشنهادها مخالفم
رئیس - آقای مخبر
مخبر - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان اینکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند
عدل قبلی قیام نمودند
رئیس قابل توجه شد
(پیشنهاد آقای امامی بترتیب ذیل خوانده شد)
بنده اصلاح ماده ۱۸ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم
بدون اجازه صریح وزارت مالیه احدی نمی تواند وصول مالیاتی که بموجب این قانون به مالک علاقه می کید اقدام نماید
امامی - عرض میکنم این ماده خیلی مبهم است و تصور میکنم که وزارت مالیه یعنی دولت نظارش بر این بوده که اجرای این قانون را کسی نمی تواند بدون اجازه صریح وزارت مالیه بکند
به اینجهت بنده پیشنهاد کردم که تصریح شود اگر بنا باشد که این ماده شامل قوانین دیگر هم بشود گمان میکنم تکلیف بر قانون محاسبات عمومی معین شده است و محتاج باین ماده نباشد
رئیس - پیشنهاد شما یک عیب دیگر هم دارد این قانون شامل املاک و مراغ و مواشی است و پیشنهاد شما فقط راجع به املاک است
امامی - مراغ و مواشی را هم علاوه کنید
رئیس - آقای مخبر قبول می کنند
مخبر - خیر قبول نمیکنم
رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان اینکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

بنده خود می دیدم که در عراق و قسمت های غرب ه هزار تومان از اصل مالیات گرفته بدون اینکه بکشاهی بهایه باشند و الان هم آن اشخاص با کمال قدرت راه می روند بدون اینکه مجازات شوند
اما اینکه آقایان می فرمایند مجازات در قانون های دیگر معین شده ام که گفتیم آنها را اعداد کنیم می گوئیم هر کس بر خلاف امر دولت اقدام ببطالیه مالیات کرد مجازاتش کنند که هر کس خود سرانه نتواند بکمالیاتی از دولت بگیرد
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
حاج میرزا عبدالوهاب - بنده ملاک کل نیستم و یک جزئی دارم و نمی خواهم از ملاکین کل دفاع کنم ولی این ماده برای دولت مضر است برای اینکه مالیات اقنایم احشام را که دولت نمی تواند در دردهی مأمورین مستور جمع آوری کند و در هر جا بایستی مالکین جمع آوری کنند
در واقع آن مالک تصدیقاری است از طرف دولت و اگر بنا باشد دولت اجازه ندهد که کسی مالیات وصول بکند مأمورین دولت اگر بخواهند همه جا بروند و مالیات اقنایم احشام را وصول کنند آخر سال میشود و آخر سال هم که دیگر مالیات وصول نمی شود
بنابراین اگر بنا باشد این ماده بعقل خودش باقی باشد عقیده بنده این است که مبالغی بدولت ضرر وارد خواهد آمد
رئیس - رأی می گیریم پیشنهاد آقای آقا شایخ جلال
آقا شایخ جلال - بنده عقیده ام این بود که در اصل ماده رأی گرفته نمودیم پیش نهاد را مسترد می دارم
رئیس - پیشنهاد آقای روحی هم تصور میکنم محتاج برای نباشد
روحی - بنده علاقه مند نسبت بپیش نهاد امر بفرمایند قرائت شود
پیشنهاد آقای روحی
پیشنهاد میکنم که سطر ذیل بر آخر ماده ۱۸ علاوه شود که کسی بدون اجازه دولت اخذ مالیات نماید مقرر داشته شد و باید مطابق قوانین جاریه مملکتی مجازات شود
رئیس - این یک امر مسلمی است که هر کسی که خلاف کند بر طبق قوانین جاریه مجازات می شود - آقای روحی (اجازه)
روحی - چندین سال است که وزارت مالیه بیک طوری اداره شده است و با بودن این قوانین قانون محاسبات عمومی قانون اساسی بارها می دیدیم که در هر گوشه از مملکت هر وقت از صنف دولت استفاده می کردند یک عده مساح اقدام میکردند باطله مالیات

بنده خود می دیدم که در عراق و قسمت های غرب ه هزار تومان از اصل مالیات گرفته بدون اینکه بکشاهی بهایه باشند و الان هم آن اشخاص با کمال قدرت راه می روند بدون اینکه مجازات شوند
اما اینکه آقایان می فرمایند مجازات در قانون های دیگر معین شده ام که گفتیم آنها را اعداد کنیم می گوئیم هر کس بر خلاف امر دولت اقدام ببطالیه مالیات کرد مجازاتش کنند که هر کس خود سرانه نتواند بکمالیاتی از دولت بگیرد
رئیس - آقای رضوی (اجازه)
رضوی - ایشان می فرمایند یک ماده مساح در دوره بترتیب که الان دو سال است که دولت اسلحه را در تمام مملکت جمع آوری کرده و دیگر اسلحه در دست کسی نیست و اینکه آقای آقا شایخ جلال می فرمایند ملوک العلویاتی هم در مملکت ایران هیچ معمول نیست بنابراین بنده با این پیشنهادها مخالفم
رئیس - آقای مخبر
مخبر - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان اینکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند
عدل قبلی قیام نمودند
رئیس قابل توجه شد
(پیشنهاد آقای امامی بترتیب ذیل خوانده شد)
بنده اصلاح ماده ۱۸ را بترتیب ذیل پیشنهاد میکنم
بدون اجازه صریح وزارت مالیه احدی نمی تواند وصول مالیاتی که بموجب این قانون به مالک علاقه می کید اقدام نماید
امامی - عرض میکنم این ماده خیلی مبهم است و تصور میکنم که وزارت مالیه یعنی دولت نظارش بر این بوده که اجرای این قانون را کسی نمی تواند بدون اجازه صریح وزارت مالیه بکند
به اینجهت بنده پیشنهاد کردم که تصریح شود اگر بنا باشد که این ماده شامل قوانین دیگر هم بشود گمان میکنم تکلیف بر قانون محاسبات عمومی معین شده است و محتاج باین ماده نباشد
رئیس - پیشنهاد شما یک عیب دیگر هم دارد این قانون شامل املاک و مراغ و مواشی است و پیشنهاد شما فقط راجع به املاک است
امامی - مراغ و مواشی را هم علاوه کنید
رئیس - آقای مخبر قبول می کنند
مخبر - خیر قبول نمیکنم
رئیس - رأی می گیریم بقبایل توجه بودن این پیشنهاد آقایان اینکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند

رئیس - (چند نفری برخاستند)
آقای کازرونی - قابل توجه نشد . پیشنهاد
 (این مضمون قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده ۱۸ اینطور اصلاح شود :
 ماده ۱۸ - اگر کسی مالیات را بکسی که از طرف دولت مأموریت نداشته باشد بدهد از او بیدار گرفته نخواهد شد .
کازرونی - بنده اصلاً پیشنهاد حذف کردم و مقصود این بود که اگر در مجلس در این قانون بخصوص يك همچو ماده را بکنجانب سایر قوانین در حال بحران واقع می شود .
بعضی از نمایندگان - اینطور نیست .
کازرونی - قدری حوصله بفرمایند قانونی که برای قنماوشتم نکتیم که هر کسی بدون اجازه دولت عایدی قدری گرفت چنین و چنان بشود همچین سایر مالیات هائی که ملاحظه میکنیم مسلم است که اگر کسی برخلاف امر دولت مالیات گرفت آن کسی که داده دولت از او قبول نمیکند آنکسی هم که گرفته است غلط کرده است ممکن است از خرمن هم يك دزدی هائی بشود .
 پس مایک ماده اینجا وضع بکنیم که اگر کسی از خرمن مغفاری دزدیده چکارش میکنند اینجا دیگر ازومی ندارد زیرا فقط دولت حق اخذ مالیات دارد و بجز مأمور دولت کسی دیگر حق اخذ مالیات ندارد .
 اگر کسی بطور زقت یا باجوب و چماق يك مالیاتی را بگیرد و يك غلط هائی بکند دولت در حدود اقتداراتی که دارد توی سرش میزند و اینجا ذکر يك همچو چیزی لزوم ندارد .
 این است که بنده پیشنهاد کردم که اگر کسی مالیات را بکسی داد که آن شخص از طرف دولت مأموریت ندارد دولت از مالیات دهنده بیدارد .
رئیس - عقیده منبر کسیون چیست ؟
کازرونی - چون منبر موافق نیستند استرداد میکنم .
رئیس - پیشنهاد آقای فرمند .
 (شرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم تبصره ذیل ماده ۱۸ اضافه شود .
 وزارت مالیه حق نخواهد داشت که ملاکین را مأمور وصول مالیات بنماید .
فرزند آقایان و کلاسه اغلب شکایت داشتند از اینکه بوجه وزارت مالیه گرفتار است .
 ولی نمی دانند اگر بخواهند مالیات تمام بلوگات ایران را مأمورین وزارت مالیه

جمع کنند مجبورند صدی ۷۰ از مالیات مستقیم را خرج وصولش کنند .
 اینکه بعضی آقایان می فرمایند بعضی ابواب جمعی باید نلوشود تصور نمیکند که بوجه ماده اول این قانون همبزی مجبور خواهند بود تمام ملاکین را مأمور وصول مالیات حیوانات دهاتشان بکنند بواسطه اینکه اگر غیر از این ترتیب بخواهند بکنند باید در هر دهی يك مأمور داشته باشند تا بتوانند مالیات ها را جمع کنند در صورتی که اغلب اوقات مأمورین دولت ملاکین را مجبور بخدمتگذاری افتخاری میکنند با این حال متصل در مجلس ملاک راهو میکنند .
 این است که بنده این تبصره را پیشنهاد کردم تا در آتیه دولت و کلاهی مجلس شورای ملی که بعداً خواهند آمد بفهمند که ملاکین خدمات مجانی بدولت میکنند و هر دهم هم و کلاهی مجلس شورای ملی ملاکین را که خدمت افتخاری میکنند هم نکنند !!
 این ابواب جمعی ها تصور نکنید برای ملاکین منفعت دارد . خبر مجانی است !!
 بنده میخواستم این قسمت اضافه شود تا بعد معلوم شود خدماتی که ملاکین مجاناً میکنند چه بوده است .
معاون وزارت مالیه - بنده گمان میکنم يك مختصر عرض ساده که کردم کافی بوده است از برای اینکه نظر دولت در ضرورت گذراندن این مطلب ظاهر شده باشد و بهیچوجه نخواستم ذیلی به این مطلب بدم و نخواهم داد و بهیچوجه من الوجوه هم عنوان این را نکردم که امروز هستند ملاکین که در واقع مالیاتی را که متعلق بدولت است آنها من غیر حق میروند مطالبه میکنند .
 عرض کردم يك طریق ابواب جمعی در این مملکت جاری بوده است و آنها از بین رفت .
 حالاً ممکن است باهم بعضی جاها باشد دولت هم روز بروز در صد است که جزء جمع مالیات خودش راحتی نسبت بقران و صد دینار در يك مجموعه و دناتری مرکزیت بدهد و عمل کند .
 بنابراین بهیچ وجه من الوجوه همچو تصویری نیست و از طرف دولت که بطور قطع میتوانم عرض کنم که نسبت با آقایان محترم ملاکین هیچ سوه فرضی نبوده نیست .
 ولی بعضی مطالب است که گمان میکنم ذکر جزئیاتش ضرورت نداشته باشد و در آنجائی که این ماده نوشته می شده چهار پنج چیز در نظر گرفته شد و در این ماده نوشته شد و بودنش بهتر از نبودنش است .
 فرمند اجازه می فرمایند .
رئیس - این يك سوه مقام نظامنامه

جاسه ۲۴۸۹
صورت مشروح مجلس پنجمین بیست و ششم آذرماه ۱۳۰۴ مطابق غره جمادی الثانی ۱۳۴۴
 مجلس دوساعت قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید .
 صورت مجلس ۵ شنبه نوزدهم آذرماه را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند .
رئیس - آقای دستغیب (اجازه)
 دستغیب - در صورت مجلس بنده را جزء دیر آمدگان بی اجازه ثبت کرده اند آن روزیکه بنده عرض می کردم کسی که کسالت داشت دیگر اجازه لازم ندارد برای يك همچو روزی بود و برای همه آقایان هم بود .
 بنده کسالت داشتم و الانهم که آمده ام کسالت دارم ولی از ترس اینکه کسیون بی اجازه ثبت کند آمده ام در صورتی که کسالت بهترین عذر ها است نمی دانم چرا کسیون قبول نمی کند .
شیروانی - بنویسید .
 دستغیب - نوشتم ولی قبول نشد .
رئیس - آقای طهرانی (اجازه)
 آقای شیخ محمد علی طهرانی - قبل از دستور عرض دارم .
رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست ؟
 بعضی از نمایندگان - خیر .
رئیس - صورت مجلس تصویب شد .
آقای طهرانی - (اجازه)
 آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده در موقعی که آشنا بتاريخ ایران شدم خاصاً تاریخ قرون اخیر هر وقت تاریخ کریمخان زند را مراجعه می کنیم همیشه اسباب تألم و تأثر من می گردد .
 البته همه آقایان می دانند وقتی که سلطنت منتقل بقاجاریه شد بکنفران بزرگترین سلاطین ایران کریمخان زند که خدمات او نسبت بایران و اخلاق ایران و استقلال ایران در تمام تواریخ ایران بلکه تواریخ خارجه مشهور است نمش این را در مروطین پرست اخلاقی را از مقبره ادرکت دادند و استخوان های او را آوردند بطهران و آغامحمدخان امر کرد در زیر تخت مرمر دفن کنند که هر وقت می رود روی تخت پا به استخوانهای او بکند .
 حتی بنده در تاریخ سر جان ملکم دیدم که این اسائه ادب نسبت به بزرگترین پادشاهان ایران نادر شاه قاجار هم اتفاق افتاده است . . .
 بعضی از نمایندگان - نادر شاه

طهرانی - بلی نادر شاه افشار - در این موقع که سلطنت حقاً از طرف ملت باعلا حضرت پهلوی تفویض شده و در این موقع که احساسات ایرانی نسبت بخادمین قدیم از سلاطین فوق العاده است بنده تقاضای کنم از روح پاک مجلس که روح پاک ایرانی است که از دولت حاضر بخواهند که این استخوان های پر از شهادت و شجاعت و وطن پرستی و اسلامیت را از این مکان بیرون بیاورند و به يك مکان مقدس که قابل برای احترام باشد دفن کنند این تقاضای بنده است .
رئیس - آقای آقا شیخ فرج الله فرمایشی دارید ؟
آقا شیخ فرج الله - عرضی ندارم .
رئیس - چند فقره خبر از کسیون هرايض و مرخصی رسیده است بمرض مجلس می رسد .
اول راجع بنیبت بکفته - آقای یاسانی است . کسیون هم تصویب کرده است . (دایره تریب بوزیر شرح ذیل قرائت شد)
 آقای یاسانی نمایند . محترم نظر بمرحله مرحوم آقای شریعتی دارم . نماینده شاهرود گرفتاری پیدا کرده و تقاضای بکفته مرخصی نموده اند کسیون هذر ایشان را کلاماً موافق دانست و تقاضای مرخصی ایشان را از تاریخ ۱۰ آذرماه لغایت بکفته تصویب می نماید .
رئیس - آقای اشگر (اجازه)
اشگر - موافقم .
رئیس - رای می گیریم . آقایانی که مرخصی بکفته ایشان را تصویب میکنند قیام فرمایند .
اغلب برخاستند
رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بتدبیر مرخصی ۸ روزه آقای تجدد است کسیون هم تصویب کرده است .
(بشرح ذیل خوانده شد)
 ماده نوزدهم - هرملکی که مطابق مواد اینقانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .
رئیس - آقای میرزا محمدخان وکیل آقا میرزا محمدخان وکیل - بنده این ماده را بطوریکه می بینم کسیون خواسته است بعضی از عوارض را که وزارت مالیه همیشه می گفت چون همبزی نشده است بی توانیم معاف کنیم از اخذ آنها چلو بگیرد میکنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخصی دو ماهه آقای زعیم است قبلاً سه ماه اجازه خواسته بودند و تصویب هم شده بود ولی چون استفاده نکرده بودند حالا

تجدید میکنند کسیون هم تصویب کرده است .
(بترتیب ذیل خوانده شد)
 آقای زعیم نماینده محترم نظر به کسالتی که دارند تقاضای ۲ ماه مرخصی نمودند .
 نظر بانیکه سابقاً سه ماه اجازه از تاریخ ۱۲ دلو ۱۳۰۳ نموده بودند و تصویب نیز شده بود ولی استفاده نکرده اند و نظر بانیکه کسالت مزاجی دارند کسیون ۲ ماه مرخصی ایشان را از تاریخ ۲۱ آبان ماه تصویب می نماید .
رئیس - آقای زعیم (اجازه)
 آقا سیدخان زعیم چنانچه در دایره تریب هم است بنده از تاریخ بیست و یکم آبان ماه که تا حالا یکماه است تقاضای مرخصی کرده بود بولی فقط شش هفت جلسه که مرخصی بودم نتوانستم حاضر شوم استدعا دارم همان هفته جلسه را تصویب بفرمایند از تاریخ بیست و یکم آبان ماه تا ۷ جلسه .
 بعضی از نمایندگان - اینطور که نمی شود رای داد .
 زعیم - استدعا میکنم ۲۰ روز تصویب بفرمایند .
رئیس - آقای منبر کسیون عقیدشان چیست ؟
 دکتر آقایان منبر کسیون - تصود نمیکند کسیون با کم کردن مدت مرخصی ایشان مخالف باشد .
رئیس - ۲۰ روز رای می گیریم .
 آقایان کسیون ۲۰ روزه ایشان را از بیست و یکم آبان ماه تصویب میکنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . ماده نوزدهم قانون همبزی مطرح است . قرائت میشود (شرح ذیل خوانده شد)
 ماده نوزدهم - هرملکی که مطابق مواد اینقانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .
رئیس - آقای میرزا محمدخان وکیل آقا میرزا محمدخان وکیل - بنده این ماده را بطوریکه می بینم کسیون خواسته است بعضی از عوارض را که وزارت مالیه همیشه می گفت چون همبزی نشده است بی توانیم معاف کنیم از اخذ آنها چلو بگیرد میکنند قیام فرمایند .
(اغلب قیام نمودند)
رئیس - تصویب شد . خبر دیگر راجع بمرخصی دو ماهه آقای زعیم است قبلاً سه ماه اجازه خواسته بودند و تصویب هم شده بود ولی چون استفاده نکرده بودند حالا

روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی
 کردند که در کرمانشاه باسم حق المرتع از اتومبیل مالیات می گرفتند و خیلی چیز های دیگر هم هست و بنده شنیدم راجع باین موضوع ها در کسیون اظهاراتی شده است .
 حالا ممکن است آقای منبر آن را بفرمایند که اگر ما هم بآن اظهارات موافق بودیم بهتر والا بوقع عرایض را عرض میکنم .
 حاشی بر زاد (منبر کسیون) - بنده تصور میکنم این شکل که ماده تنظیم شده کلاماً نظر آقای مخالف را تامین میکند .
 در این ماده مینویسد که هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است کسر نظر آقا اینست که چرا اسم سرانه و خانوار ذکر شده است و اگر ذکر نشده بود اثرش بیشتر بود چون يك نظر خاصی نسبت باین دو مالیات بود و در دوره چهارم هم يك چیز هائی از طرف آقایان نمایندگان نسبت باین دو موضوع اظهار میشد باین جهت اسم این دو مالیات نوشته شد والا این ماده شامل تمام مالیاتهای غیر قانونی که از تصویب مجلس نگذشته است می شود و بهیچ جای اشکال هم نیست .
رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
 آقا میرزا علی کازرونی - امر دایره تریب اینیکه یا شده نفهمیدم یا عبارت ناقص است بعقیده بنده بقدری مطلب واضح است که غلط است و محتاج توضیح نیست .
 باز هم عرض میکنم یا من نفهمیدم (بعضی از نمایندگان - صحیح است) یا درست ننوشته اند .
 اینجا مینویسد هرملکی که مطابق مواد این قانون مالیات میپردازد از مالیات سرانه و خانوار و سایر عوارض که مقدمتاً از طرف مجلس شورای ملی تصویب نشده باشد معاف است .
 مالیات هائی که از مردم گرفته میشود همانین مختلف دارد . حتی برای سر تراشی يك خانی که سابقاً يك بولی میدادند این آمده است جز مالیات شده است .
 در سابق که يك نفر خان وضابطی از زاق مردم را معدود می کرد و يك بولی میگرفت امروز که مالیه عمل بجزه میکند هم آن پولها را بنام مالیات میگیرد و هم مالیاتهای دیگری که تعدادش از قوه و قدرت بنده خارج است .
 اغلب این مالیات ها را مجلس یا باصراحه تصویب کرده است باضنی تصویب کرده است یعنی اجازه بوجه کل آمده است و بطور ضمنی مجلس تصویب کرده است یا این است که مجلس تصویب کرده است که مالیات هائی که معمول و متداول بوده است بایستی مردم اصلاً و فریبند از پرداخت و در مالیات هائی که معمول بوده است همه جور مالیات متفرقه و درهم و برهم از مردم به عنوانین مختلف گرفته میشود .
 علت اینیکه ما حاضر شدیم يك قانون همبزی بنویسیم این بود که این مالیات های مختلفی که در هیچ کجای دنیا سابقه ندارد و حقیقتاً ذکرش اسباب شر سازی و سر افکنگی و ننگ است از میان برود . اینجا مینویسد :
 مالیات هائی که بتصویب مجلس ترسیده است موقوف است .
 این نکته را باید با آقایان تدبیر کردیم که این عبارت را بچه باید تعبیر کرد ؟ که بگوئیم مالیات هائی را که مجلس تصویب نکرده است و مالیه میگیرد و ما میخواهیم جوانمردی کنیم و بگوئیم پس از گذشتن این قانون وزارت مالیه آن مالیات های خلاف قانون را بگیرد حاجی فلان گرای مسجد را معاف کرد ؟ این هم از همان قبیل است این چیز غریبی است ؟
 مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده است مالیه اصلاً نباید بگیرد . این خودش غلط اندر غلط است که مانع تصویب يك مالیاتی را که مجلس تصویب نکرده است مالیه بگیرد .
 عقیده بنده اینست که باید اینجا صراحتاً نوشته شود پس از تصویب این قانون کلیه مالیات ها از قبیل سرانه و خانوار و غیره که مجلس هم تصویب کرده باشد باید موقوف شود و این مالیاتی که ماداریم اینجا وضع میکنیم در مقابل آن مالیات ها است معکوس اینجا گفته شده که اگر دیدیم صدی سه و نیم کم بود صدی پنج و صدی شش میکنیم که این مالیات های درهم و برهم از بین برود .
 مالیاتهای کفش - خیاطی - سراجی و هزار قسم مالیات های دیگر که معلوم نیست مصداق دارد یا ندارد از بین برود .
 يك رفتی يك ضابطی . يك خانی . يك شاهی . از يك کس يك بولی گرفته است یا يك کسی رفته است توی يك بیابانی نشسته و يك عده آمده اند يك هدیه باور داده اند همان هدیه آن روزی مالیات شده است .
 فرضاً مجلس هم تصویب کرده باشد آیا باید آنها را باقی بگذاریم این ذکرش بااست و نباید اصلاً نوشته شود .
 معاون وزارت مالیه - مسئله دو قسمت دارد و يك تفاوتی در بین هست . منظور از تنظیم این ماده این بوده است که عوارضی که تا به حال در ضمن مالیات های از رعیت گرفته می شده است باید منسوخ و ملغی شود .
 البته آقایان بخوبی اطلاع دارند که غیر از مالیات نقد و جنس که با هم مالیات نقدی و جنس اراضی از مردم گرفته میشود يك عوارض دیگری هم عمل دولت باسامی

مختلف میگرفته اند و آنچه‌هاست که
که اغلب نوحش در خاطر مانده است و یک چیز
هائی است که مالک و رعیت بهتر میدانند.
مقصود از ذکر این ماده انعام این قبیل
حوارض است که در مالیات‌های ارزش معمول
به بوده است و الایضی مالیات‌هایی که
آقای کازرونی می‌فرماید که میرود در عداد
مالیات‌های صنفی و اقسام مالیات‌های
دیگر آن‌ها چیز دیگری است مگر در مجلس
مذاکره شده است و نظر دولت هم این بوده
است که مالیات‌ها متحدالشکل شود و بعضی
از مالیات‌ها از بین برود در صورتی که بجای
آنها یک هواند دیگری پیش بینی شود
مقصود عرض من این است که باید بین
این دو مسئله تجزیه شود یک وقت صحبت
از مالیات‌های صنفی و غیره است که می‌فرمایند
در فلان سال فلان حکم فلاسکار را کرده
است و بعنوان مالیات مانده است
یکی هم اینست که در ضمن گرفتن
مالیات‌های ارضی یک حوازش هم میگرفته-
اند این عوارض بعد از این بکلی منافی است
و فقط باید یک نقد جنس مطابق این قانون
اخذ شود و این ماده این مقصود را بخوبی
میرساند

ییشنهادی داده ام و گمان می‌کنم راه‌حلش
هم همین باشد که آقایان نظریه خود را
پیشنهاد فرمایند و بنده در پیشنهاد توضیح
عرض میکنم
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است
رئیس - پیشنهاد آقای عراقی قرائت
میشود
(شرح ذیل قرائت شد)
بنده پیشنهاد میکنم در ماده نوزدهم بعد از
لفظ خانوار عبارت نقدی و جنسی اضافه
شود
عراقی - چون بنده دیدم در موقعی
که مجلس مالیات خانوار را تصویب نکرد
پس مردم و وزارت مالیه یک کشمکش‌هایی
پیدا شد که منجر بسؤالات و استناده از یکی
به یکی و کلاه مجلس شد یک ستون بندی
در بودجه کرده بودند و هفتاد هزار تومان باسم
خانواری نوشته بودند بعد که مجلس رد کرد
هر جا که خانواری را جنس بدید کار بودند از
قبیل قزوین و جابلق و لرستان هر جا که
بود میگفتند بر است است ولی نقدی را مجلس
نکرده
ولی جنس را باید بدهید و تصور می
کنم اگر حال آمد از لفظ خانوار نقدی و
جنسی را بگذاریم دیگر ترازوی بین دولت و
رعایا واقع نخواهد شد

امضا کنندگان پیشنهاد مینمائیم که
ماده نوزدهم در سطر دوم بعد از مالیات‌های
سرايه علاوه شود حقايق و قیمت فاضل آب
رودخانه‌ها که دولت مأخوذ میدارد الی
آخر
رئیس - آقای سهراب زاده
(اجازه)
سهراب زاده - بنده یقین دارم که
باتصویب این پیشنهاد یک ضرر فزون العاده
بدولت میخورد ولی از طرف دیگر یقین
دارم که اگر این قانون باین ترتیب بگذرد
ملاهی برای املاک نشود یک عایداتی خیلی
بیشتر از آنچه که خیال میفرمایید برزاعت
منسکت و عایدات دولت ضرر خواهد خورد
و دلایل بنده هم در تأیید عرض خودم یک
دلایلی نیست که بگویند صحیح نیست یا
صحیح است
دلایل بنده همین‌طور است که در دست
بنده است و فعلا هم بآن عمل میشود (ورقه)
چاپی ارائه نمودند) در این قانون
مینویسند:
از رود آب صدی سه یا صدی چهار یا
هر چه اول رود آب یعنی چه اگر ما تصدیق
بکنیم که رودخانه مال دولت است و دولت
حق دارد بفروشد پس کدام دماست که از
رودخانه آب دارد؟
اگر تصدیق میکنیم که رودخانه مال
دولت نیست و باید تقسیم شود باملاک یا
هر دو با رعیتی که قنات ندارد و محتاج به
رودخانه است بقدر خودش باید از آب
بیاورد و تخم بکارند و از عایداتش صدی
سه یا صدی چهار بدولت بدهد پس دیگر
اینجا (اشاره بورقه سابق الفکر)
مینویسند:
هر گاه بخواهند از رودخانه آب ببرند
باید هر نفری پنجاه تومان پول بدهند این برای
چیت

وزین هم مال خودم است آنوقت پس چرا
آن پولی که از باب آب و نهر بدولت میدهم
آنرا مستثنی نمی‌کنند !!
چیز غریبی است!! رعیت باید پنجاه
تومان پول آب بدهد و با این پنجاه تومان
پنجاه من جنس بذر بکارند و آنوقت درو
پنج تا پنجاه تومان باید بدهد تا بتواند رعیتی
کند...
یک نفر از نمایندگان - آنورده که قانون
نیست
سهراب زاده - بنده پیشنهاد داده ام
و در پیشنهاد خودم هم باید توضیح بدهم
آنوقت باین ترتیب صد و پنجاه تومان عاید
رعیت میشود در حالتی که دولت و پنجاه
تومان باید بدهد بدیعی است وقتیکه بنا
شود رعیت یک همچو پولی بدهد و پول
بذر و کارها هم از جیب خودش بدهد اصلا
همچو زراعتی کند رعیت وقتی زراعت می
کند که پس از آنکه مالیات دولت را داد
افلا یک چیزی هم برای خودش باقی بماند
فرض کنید امشب باران می‌آید و آب
رودخانه زیاد میشود میر آب آب را ول
میکند بیهله و میگوید این فاضل آب است
آنوقت اگر کسی آب بخواهد باید پول
بدهد بخرم... علاوه در ماده یازده همین
نظامنامه میگوید...
رئیس - ماده شصت و سه نظامنامه راهم
ملاحظه کنید
سهراب زاده - چشم در این نظامنامه
تایستم عقرب حمل و ثور و جوزا هیچ
سرطان اسد سنبله و میزان راجه کند؟
رعیت باید تایستم عقرب دستش را روی
دستش بگذارد و گاویش بیکار بماند همین
طور در آفتاب بنشیند و چپ بکشد تا
بینند چه میشود برای اینکه دولت در نظامنامه
نوشته که بیستم عقرب آب میدهم
اگر هم فرض کنیم که میخواهند
احتیاج خالصه را رفع کنند کسیکه نظرس
بملکت باشد املاک ارضایی و خالصه چه
فرق دارد؟
در هر صورت دولت باید سعی و کوشش
کند که از ازاق منسکت را حفظ کند و
رعیت خالصه یا رعیت ارضایی بنظر بنده
فرق ندارد
خلاصه این نظامنامه که الان بنده روی
میز گذارده ام در این موقع که قانون
باید تکلیفش همین شود - یا باید لغو شود
یا فکری باید برای دهانی که آب برای کشت
و زرع میخواهند بشود

زراعتی خودشان را صورت میدهند ولی
البته آن مقدار که فاضل آب رودخانه
است متعلق بدولت است و دولت می‌تواند
بفروشد
بدیعی است دولت بکسانی میفروشد
حقايق نداشته باشند و نهر جدا نکرده باشند
و بالاخره مخارجی نکرده و بسایر دیگر
آب برای املاکشان تهیه نکرده اند یا
مثلا قناتی داشته اند که حالا خراب شده
و حالا میخواهند از این فاضل آب مشروب
شوند
دولت برای اینکه فاضل آب حق
خودش را بماند که مجبور بخردن آب
هستند در موقع بفروشد بموجب یک نظامنامه
یک میزانی که معین کرده است فاضل آب
خودش را به آنها میفروشد و این مسئله
نه تنها از اعراض استفاده فروش آب
برای دولت فایده دارد بلکه در تقسیماتیکه
از آنها مسئله از این رودخانه میشود
دولت باید مراقبت بکند تا بتواند میر آب
را خوب اداره کند و از آنجا که کسی نسبت
بدیگری میکند جلو گیری نماید
پس در واقع این یک حق میر آب
است - بنابراین لازم است که بموجب یک
نظامنامه فاضل آب فروخته شود ولی اگر
مالکین را بخواهیم از آب مستثنی بودند نخواسته
باشند بخرند دولت کسی را مجبور نمی
کند که بزور از آب بخرند و این مأخوذي
هم در مقابل مخارجی که دولت در سال برای
میر آب و نظارت و غیره میکند چیزی نیست
زیرا بالاخره دولت یک مخارجی را متحمل
میشود و این عایدات گاهی با مخارج تکا فوری
می‌کند و گاهی هم یک چیزی برای دولت نایده
دارد و بنده گمان نمیکنم اتفاق یک همچو
مسئله سهل باشد
بنده در چندین قبل که شنیدم یک
چنین مسئله بنظر آقایان رسیده با آقای سهراب
زاده تذکره کردم و گفتم این مسئله چندان
ضرر ندارد و برای اینکه خوب از فاضل مطلع
شده باشند - حالا هم عرض می‌کنم که رجوع
فرمائید بداره مالیات طهران و در آن جا از
تمام جزئیات میزان آب و مقدار آنها
چدا شده و حقايق و مبلغ مأخوذي و غیره مطلع
خواهند شد و حتی بایشان عرض کردم
که اگر یک چیز هائی هم بود ماست که
بیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام
فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - تصویب نشد پیشنهاد اضافی
همین دوسه تا بود - راجع باصل ماده هم
چندتا پیشنهاد صلاحی رسیده که متحد
المفهوم و المضمون هستند بمرض آقایان
میرسد
(بشرح ذیل قرائت شد)
یشنهاد آقایان مهدوی و اسدی و
شیروانی -

از عوائد دولت را که در تحت يك عنوانی
دارد از بین ببرند و عایدات دولت را کم
کنند
اگر این طور باشد آنوقت مجموع
این لایحه يك قسمت از بودجه و عایدی
مالک ترا از بین خواهد برد بهر حال راجع
باین موضوع از هم بنده خدمت نماینده محترم
عرض میکنم خوبست در اداره اینکار بروند
واژ کسانی که متصدی کار هستند
صورت عمل را بخواهند دوبه بنشیند آب عبارت
از چه مقدار است آنها را منسبه چه قدر
است و فاضل آبش در سال چه قدر فروخته
می‌شود و تقسیمات آب بطور چه عملی آید
و از نسبت و مقدار تقسیمات آنها را از تمام این
مراتب مطلع خواهند شد
ولی يك همچو مسئله مهمی را ما میخواهیم
در ضمن این قانونی که مطرح است قرار بدهیم
این بقیه بنده هیچ خوب نیست
مغیر بنده تصدیق می‌کنم فرمایشات
نماینده محترم را که این مطالب در کار
هست ولی این قانون میبزی تمام دردهای
مارادوانی کند
دولت بد بخانه خودش عنوان مالک دارد
و در بعضی نقاط خالصه دارد - قنات دارد
و بالاخره عنوان مالک را دارد همینطور
که اگر يك اشخاصی قنات یا آب زیادی
داشته باشند میتوانند بفروشد
ما نمیتوانیم این عایدات دولت را در
تحت يك ماده قانون لغو کنیم مگر این
که اصلاحات را از مالکیت بپنداریم و
مسئله خالصه داشتن را لغو کنیم و این مسئله
هم فرع بر اجازه فروش خالصات است
و هر وقت ما خالصه‌های دولت را بفروشیم
آنوقت قهرا این عوارض لغو خواهد
شده
ولی مادام که مالکیت دولت را قبول
داریم و معتقدیم که دولت خالصه دارد و آن
وقت دیگر شکستیمون نمی‌تواند این
یشنهاد را قبول کند
رئیس - زای میگیریم بقابل توجه بودن
این پیشنهاد
بعضی از نمایندگان - خوبست سایر
یشنهادات هم قرائت شود
رئیس - پیشنهادیکه اضافه بر ماده است
مقدم بر سایر پیشنهاد است
رای می‌گیریم بقابل توجه بودن این
یشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام
فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - تصویب نشد پیشنهاد اضافی
همین دوسه تا بود - راجع باصل ماده هم
چندتا پیشنهاد صلاحی رسیده که متحد
المفهوم و المضمون هستند بمرض آقایان
میرسد
(بشرح ذیل قرائت شد)
یشنهاد آقایان مهدوی و اسدی و
شیروانی -

اصلاح ماده ۱۹ را بشرح ذیل پیشنهاد
میکنیم
ماده ۱۹ از تاریخ شروع باجرای این
قانون کلیه مالیات‌های ارضی و آب و حیوانی
مستقیم و سرايه و خانوار که عمال دولت از
املاک و حیوانات دریافت میکنند خواه
بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدنه تانه
و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ
و بجای آنها مالیات‌های مصرحه در این
قانون دریافت خواهد شد
یشنهاد آقای عسکری پیشنهادی کنم
ماده ۱۹ - از تاریخ اجرای
این قانون کلیه مالیات‌های ارضی و آب و
حیوانی مستقیم و سرايه و خانوار که عمال
دولت از املاک دریافت میکنند خواه
باسم مالیات خواه بعنوان عوارض و خدنه تانه
و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ
و بجای آنها مالیات‌های مصرحه در این
قانون دریافت خواهد شد
یشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم
ماده ۱۹ بطریق ذیل نوشته شود
هر آب زمین و حیوانی که مطابق
مواد این قانون مالیات میبرد از ذک و کلیه مالیات
ها و عوارضیکه بالخصوص و سرايه از طرف
مجلس شورای ملی تصویب نشده معاف
خواهد بود
بصره - بعنوان حقايق و فاضل آب رود
خانه و عنوان حق مرتع و تعلیف از مراتع
عمومی مالیات اخذ نخواهد شد
یشنهاد آقای روحی ماده ۱۹ را بشرح
ذیل پیشنهاد می‌نماید
ماده ۱۹ هر ملک که مطابق مواد
این قانون مالیات میبرد از ذک مالیات سرايه
و خانواری زیاد ارائه و نقدی و جنسی و سایر
عوارض بهر اسم و رسم که فیلا از طرف مجلس
شورای ملی تصویب نشد باشد معافست
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا شهاب
قرائت می‌شود
(این طور قرائت شد)
ماده ۱۹ را بطریق ذیل پیشنهاد
می‌کنم
ماده ۱۹ پس از اجرا این قانون
مالیات سرايه و خانواری نقدی و جنسی و
سایر عوارضیکه بتصویب مخصوص مجلس
شورای ملی رسیده باشد منسوخ و لغوی
خواهد بود
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
با این پیشنهاد ها قدری فرق دارد
(بضمون ذیل قرائت شد)
یشنهاد میکنم که ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود
پس از ادای مالیات املاک و عوارض مطابق این
قانون کلیه مالیات مستقیم که سابقاً گرفته
میشده است از هر قبیل که بوده موقوف
خواهد بود
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)

شیروانی - غالباً این کیف بنده که از
نوايح و قوانینی که از قدیم طبع و توزیع شده
سنگین ویراست گاهی بدرجه بخورد مثلا
این ماده که امروز مطرح شد بنده مرا چه
بکیف خودم کردم این که خود وزارت
مالیه انواع مالیات‌ها را سابقاً چاپ کرد و
در بین و کلا توزیع کرده است - یک کتاب
مفصلی است - شاید اغلب آقایان بخوانده
باشند
بنده علاوه بر مالیات‌هایی که مجلس
تصویب نکرده و می‌گیرند بعضی از مالیات
هائی که بطور ضمنی یا بطور صریح بتصویب
مجلس رسیده است بنده آنها را هم ظالمانه
میدانم و معتقدم که در موقع خودش باید اصلاح
شود
ما موفق شدیم که مهمترین قدم
اصلاحی را راجع بطرز مالیات گیری در
ایران عیالاً شروع کنیم و چون امروز
راجع ب مالیات مستقیم صحبت میکنیم باید
انواع مالیات‌هایی را که مربوط ب مالیات مستقیم
است ولی ظالمانه است باید لغو کنیم
مسائل را نباید با یکدیگر مخلوط کرد
مقصود بنده آن نکته است که آقای
کازرونی فرمودند
بنده همیشه عرض کردم که باید قدم
ها را یکی یکی برداریم و مسائل را هم
مخلوط نکنیم تا موفق با اصلاحات بشویم
این پیشنهادی را که آقای عدل و بعضی دیگر
تهیه کرده بوده و بنده هم با پیشنهاد تغییر
عبارتی یک پیشنهادی کرده بودم بعد دیدم
مال آقایان بهتر و جامع تر است
لذا آن را امضا کردم و این پیشنهاد
غیر از یاد ارائه که در پیشنهاد
آقای بیات ذکر شده و حالا تذکره کردند
تمام انواع مالیات‌ها که مربوط ب مالیات
مستقیم است شامل میباشد و اگر یک مرتبه
دیگر قرائت شود تصور می‌کنم تمام آقایانی
که از مالیات گرفتن دردها مطلعند که در
دهات و اراضی چه مالیاتی بعنوان مالیات
مزارع و مواشی گرفته میشود تصدیق بکنند
که این پیشنهاد چلو گیری از وصول آن مالیات‌های
غیر قانونی خواهند بود و در اغلب آقایان اطلاع
دارند - چنانچه خود بنده هم غالباً دیده‌ام
که کسها و کلا نثرهای محل می‌آیند
و یک مالیات‌هایی از مردم می‌گرفتند یعنی
دولت مواجب نمیداد بکسده بهوض مواجب
می‌آیند و از مردم مالیات میگرفتند
ما مقصودمان اینست که این‌ها هر چه
هست لغو شود ولی در این پیشنهاد اساسی که
برده نشده فقط یا داره بود که آنها بنده
نظم نبود آقای بیات نوشتند و حالا بنده هم
یاد ارائه را بیشنهاد خودم ضمیمه می‌کنم
رئیس - آقای رضوی
(اجازه)
رضوی - عرضی ندارم
رئیس - آقای عدل
عدل - موافقم
رئیس - آقای شیروانی باز توضیحی
دارید بفرمایند

همانطور که آقای مغیر توضیح دادند
چون مالیات سرايه و خانوار یک بحثی بود
که خیلی در مجلس مطرح میشد باینجهت
مخصوصاً قید شده است و الا منظور از این
ماده اینست که کلیه عوارضی را که مالک
بعنوان عشریه یا در ضمن عشریه می‌داده
است بکلی منسوخ باشد
جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی
است
بعضی از نمایندگان - کافی نیست
رئیس - رای می‌گیریم آقایانی که
مذاکرات را کافی میدانند قیام فرمایند
(همه ای قیام نمودند)
رئیس - معلوم میشود کافی نیست آقای
قشقایی
اسمعیل خان قشقایی - این قانون را
برای منک و عشریه می‌گذاریم - در این
ماده فقط میشود (مالیات ملک) از عشریه و
وایل اسبی نبرده است همین قدر نوشته
است
هر ملک که مطابق مواد این قانون
مالیات میبرد از ذک مالیات هائی که مجلس
تصویب نکرده است معاف است و اسما بیلو
عشریه را ننوشته خوبست آقای مغیر اینترام
اصلاح بفرمایند
مغیر - پیشنهاد بفرمایند بطوریکه
تأمین کند بنده قبول می‌کنم ولی عقیده من
همین ماده تأمین میکند
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)
شیروانی - بنده مخالف هستم ولی
برای اینکه وقت مجلس تضییع نشود

معاون وزارت مالیه - بنده تصور
میکنم پس از آنکه مجلس مالیات خانوار را
لغو کرد ما حق داشتیم جنس را مطالبه کنیم
زیرا اگر خاطر آقایان باشد در موقعی که
بوده مطرح بود در آن ماده که راجع به
خانواری بود و رای داده نشد یک قلم باسم
مالیات نقدی خانواری بود که مجلس رد کرد
ولی چون یک مقدار مختصر می‌م از مالیات‌های جنسی
راجع بخانوار بود اسم جنس خانواری در این رای
مجلس نبود ما مطالبه میکنیم که در نظر باینکه
دولت خیال استفاده نداشت از این قبیل
موارد همین قدر که تمایل مجلس نسبت به
نقدی معلوم شد نسبت بجنس هم که ما
تسعیر میکنیم بعداً امرداده شد که جنس
را هم مطالبه نکند و نظر باینکه همین طور
هم عمل کرده‌ایم در این پیشنهاد هم
مخالفتی نداریم
رئیس - زای کیسبون چیست؟
مغیر - ممکن است سایر پیشنهادها
هم قرائت شود شاید پیشنهاد جامی در بین
یشنهادها باشد
رئیس - نظریه کیسبون را
بفرمایند
مغیر - علی‌ای حال این پیشنهاد
کیسبون نظر مغایر ندارد
رئیس - پیشنهاد دیگری قریب
پنجاه نفر از آقایان رسیده است قرائت
میشود
(شرح ذیل خوانده شد)

سهراب زاده - این نظامنامه وزارت
مالیه است کی نوشته؟ هر کس نوشته همان کسی
که بضرر پس گردنی پول میگردد حضرت
عالی تشریف ببرید آنچه‌ای که قزاق در
خانه‌های مردم نشسته و پول تریاک می
گیرد آنوقت بنده کی میگردد
بعضی از نمایندگان - فرق نیست
نیست - نظامی
سهراب زاده - عرض میکنم
خدمت بار آفتشان باز میبوسد هر گاه در
نایستان از آب رودخانه کشت و ذرع صیفی
بکند علاوه بر مالیات بقیه را بایند با
دولت نصف کنند
خوب بنده که از رود آب حاصلم را
میکارم آنچه که عمل می‌آید صد سه یا صد به دولت
فرض کنیم آب خریداری است و از برای
تجارت یک آبی میخرم و میآورم کار

معاون وزارت مالیه - رودخانه جاجرد
که موضوع بحث این مسئله است از يك
حدودی که به پائین جاری میشود مالکین
یک مقدار انهارى از آن جدا کرده اند و
بآن اراضی زراعتی خودشان را مشروب
می‌کنند
بنابر این بقسمی که تقسیم شده است
آنها آزاد و مختارند و همه ساله کسار

پس در واقع این یک حق میر آب
است - بنابراین لازم است که بموجب یک
نظامنامه فاضل آب فروخته شود ولی اگر
مالکین را بخواهیم از آب مستثنی بودند نخواسته
باشند بخرند دولت کسی را مجبور نمی
کند که بزور از آب بخرند و این مأخوذي
هم در مقابل مخارجی که دولت در سال برای
میر آب و نظارت و غیره میکند چیزی نیست
زیرا بالاخره دولت یک مخارجی را متحمل
میشود و این عایدات گاهی با مخارج تکا فوری
می‌کند و گاهی هم یک چیزی برای دولت نایده
دارد و بنده گمان نمیکنم اتفاق یک همچو
مسئله سهل باشد
بنده در چندین قبل که شنیدم یک
چنین مسئله بنظر آقایان رسیده با آقای سهراب
زاده تذکره کردم و گفتم این مسئله چندان
ضرر ندارد و برای اینکه خوب از فاضل مطلع
شده باشند - حالا هم عرض می‌کنم که رجوع
فرمائید بداره مالیات طهران و در آن جا از
تمام جزئیات میزان آب و مقدار آنها
چدا شده و حقايق و مبلغ مأخوذي و غیره مطلع
خواهند شد و حتی بایشان عرض کردم
که اگر یک چیز هائی هم بود ماست که
بیشنهاد آقایان که قابل توجه میدانند قیام
فرمایند
(چند نفری قیام کردند)
رئیس - تصویب نشد پیشنهاد اضافی
همین دوسه تا بود - راجع باصل ماده هم
چندتا پیشنهاد صلاحی رسیده که متحد
المفهوم و المضمون هستند بمرض آقایان
میرسد
(بشرح ذیل قرائت شد)
یشنهاد آقایان مهدوی و اسدی و
شیروانی -

اصلاح ماده ۱۹ را بشرح ذیل پیشنهاد
میکنیم
ماده ۱۹ از تاریخ شروع باجرای این
قانون کلیه مالیات‌های ارضی و آب و حیوانی
مستقیم و سرايه و خانوار که عمال دولت از
املاک و حیوانات دریافت میکنند خواه
بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدنه تانه
و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ
و بجای آنها مالیات‌های مصرحه در این
قانون دریافت خواهد شد
یشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم
ماده ۱۹ بطریق ذیل نوشته شود
هر آب زمین و حیوانی که مطابق
مواد این قانون مالیات میبرد از ذک و کلیه مالیات
ها و عوارضیکه بالخصوص و سرايه از طرف
مجلس شورای ملی تصویب نشده معاف
خواهد بود
بصره - بعنوان حقايق و فاضل آب رود
خانه و عنوان حق مرتع و تعلیف از مراتع
عمومی مالیات اخذ نخواهد شد
یشنهاد آقای روحی ماده ۱۹ را بشرح
ذیل پیشنهاد می‌نماید
ماده ۱۹ هر ملک که مطابق مواد
این قانون مالیات میبرد از ذک مالیات سرايه
و خانواری زیاد ارائه و نقدی و جنسی و سایر
عوارض بهر اسم و رسم که فیلا از طرف مجلس
شورای ملی تصویب نشد باشد معافست
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا شهاب
قرائت می‌شود
(این طور قرائت شد)
ماده ۱۹ را بطریق ذیل پیشنهاد
می‌کنم
ماده ۱۹ پس از اجرا این قانون
مالیات سرايه و خانواری نقدی و جنسی و
سایر عوارضیکه بتصویب مخصوص مجلس
شورای ملی رسیده باشد منسوخ و لغوی
خواهد بود
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
با این پیشنهاد ها قدری فرق دارد
(بضمون ذیل قرائت شد)
یشنهاد میکنم که ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود
پس از ادای مالیات املاک و عوارض مطابق این
قانون کلیه مالیات مستقیم که سابقاً گرفته
میشده است از هر قبیل که بوده موقوف
خواهد بود
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)

اصلاح ماده ۱۹ را بشرح ذیل پیشنهاد
میکنیم
ماده ۱۹ از تاریخ شروع باجرای این
قانون کلیه مالیات‌های ارضی و آب و حیوانی
مستقیم و سرايه و خانوار که عمال دولت از
املاک و حیوانات دریافت میکنند خواه
بعنوان مالیات خواه بعنوان عوارض و خدنه تانه
و تحصیل داری و غیره بهر اسم و رسم منسوخ
و بجای آنها مالیات‌های مصرحه در این
قانون دریافت خواهد شد
یشنهاد آقای مدرس پیشنهاد میکنم
ماده ۱۹ بطریق ذیل نوشته شود
هر آب زمین و حیوانی که مطابق
مواد این قانون مالیات میبرد از ذک و کلیه مالیات
ها و عوارضیکه بالخصوص و سرايه از طرف
مجلس شورای ملی تصویب نشده معاف
خواهد بود
بصره - بعنوان حقايق و فاضل آب رود
خانه و عنوان حق مرتع و تعلیف از مراتع
عمومی مالیات اخذ نخواهد شد
یشنهاد آقای روحی ماده ۱۹ را بشرح
ذیل پیشنهاد می‌نماید
ماده ۱۹ هر ملک که مطابق مواد
این قانون مالیات میبرد از ذک مالیات سرايه
و خانواری زیاد ارائه و نقدی و جنسی و سایر
عوارض بهر اسم و رسم که فیلا از طرف مجلس
شورای ملی تصویب نشد باشد معافست
رئیس - پیشنهاد آقای میرزا شهاب
قرائت می‌شود
(این طور قرائت شد)
ماده ۱۹ را بطریق ذیل پیشنهاد
می‌کنم
ماده ۱۹ پس از اجرا این قانون
مالیات سرايه و خانواری نقدی و جنسی و
سایر عوارضیکه بتصویب مخصوص مجلس
شورای ملی رسیده باشد منسوخ و لغوی
خواهد بود
رئیس - پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب
با این پیشنهاد ها قدری فرق دارد
(بضمون ذیل قرائت شد)
یشنهاد میکنم که ماده ۱۹ این نوع اصلاح شود
پس از ادای مالیات املاک و عوارض مطابق این
قانون کلیه مالیات مستقیم که سابقاً گرفته
میشده است از هر قبیل که بوده موقوف
خواهد بود
رئیس - آقای شیروانی
(اجازه)

شیروانی - غالباً این کیف بنده که از
نوايح و قوانینی که از قدیم طبع و توزیع شده
سنگین ویراست گاهی بدرجه بخورد مثلا
این ماده که امروز مطرح شد بنده مرا چه
بکیف خودم کردم این که خود وزارت
مالیه انواع مالیات‌ها را سابقاً چاپ کرد و
در بین و کلا توزیع کرده است - یک کتاب
مفصلی است - شاید اغلب آقایان بخوانده
باشند
بنده علاوه بر مالیات‌هایی که مجلس
تصویب نکرده و می‌گیرند بعضی از مالیات
هائی که بطور ضمنی یا بطور صریح بتصویب
مجلس رسیده است بنده آنها را هم ظالمانه
میدانم و معتقدم که در موقع خودش باید اصلاح
شود
ما موفق شدیم که مهمترین قدم
اصلاحی را راجع بطرز مالیات گیری در
ایران عیالاً شروع کنیم و چون امروز
راجع ب مالیات مستقیم صحبت میکنیم باید
انواع مالیات‌هایی را که مربوط ب مالیات مستقیم
است ولی ظالمانه است باید لغو کنیم
مسائل را نباید با یکدیگر مخلوط کرد
مقصود بنده آن نکته است که آقای
کازرونی فرمودند
بنده همیشه عرض کردم که باید قدم
ها را یکی یکی برداریم و مسائل را هم
مخلوط نکنیم تا موفق با اصلاحات بشویم
این پیشنهادی را که آقای عدل و بعضی دیگر
تهیه کرده بوده و بنده هم با پیشنهاد تغییر
عبارتی یک پیشنهادی کرده بودم بعد دیدم
مال آقایان بهتر و جامع تر است
لذا آن را امضا کردم و این پیشنهاد
غیر از یاد ارائه که در پیشنهاد
آقای بیات ذکر شده و حالا تذکره کردند
تمام انواع مالیات‌ها که مربوط ب مالیات
مستقیم است شامل میباشد و اگر یک مرتبه
دیگر قرائت شود تصور می‌کنم تمام آقایانی
که از مالیات گرفتن دردها مطلعند که در
دهات و اراضی چه مالیاتی بعنوان مالیات
مزارع و مواشی گرفته میشود تصدیق بکنند
که این پیشنهاد چلو گیری از وصول آن مالیات‌های
غیر قانونی خواهند بود و در اغلب آقایان اطلاع
دارند - چنانچه خود بنده هم غالباً دیده‌ام
که کسها و کلا نثرهای محل می‌آیند
و یک مالیات‌هایی از مردم می‌گرفتند یعنی
دولت مواجب نمیداد بکسده بهوض مواجب
می‌آیند و از مردم مالیات میگرفتند
ما مقصودمان اینست که این‌ها هر چه
هست لغو شود ولی در این پیشنهاد اساسی که
برده نشده فقط یا داره بود که آنها بنده
نظم نبود آقای بیات نوشتند و حالا بنده هم
یاد ارائه را بیشنهاد خودم ضمیمه می‌کنم
رئیس - آقای رضوی
(اجازه)
رضوی - عرضی ندارم
رئیس - آقای عدل
عدل - موافقم
رئیس - آقای شیروانی باز توضیحی
دارید بفرمایند